

لازمه پیروزی بر امپریالیسم امریکا

نامه
مردم
۲۰ پ
ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۳۹۹
چهارشنبه ۲۹ آبان ۱۳۵۹، مطابق با
مهر ۱۳۰۱، بهار ۱۵، سال

سرکوب ضد انقلاب داخلی است

یک تپه به دفاع از همین انقلاب
خویش برخاسته و با فداکاری
های حماسه آمیز در جبهه و پشت
جبهه و با تحمل انواع حرمانها
در کار آینه که پوزة تجاوز را
بر خاک مالند، ضدانقلاب در راستای
هنگامی با دشمن، در جنبهها
سرگرم خرابکاری و تدارک زینت
برای شکست انقلاب است.
ضدانقلاب داخلی هر کجا که
هست، باقتضای شرایط، در تلاش
است که با عمل و تسمیم و قلم
و قلم خود در مسیر انقلاب مانع
تراشی کند و با کارشکنی در
تولید ایجاد کیود مصنوعی و
بقیه در صفحه ۲

و دست نشانده میمن آن صدام
جناپکار بیروز شوم و بیروز
خواهیم شد. اما نباید لحظه ای از
این حقیقت غافل ماند که از
حوامل موثر پیروزی در جنگ
تحصیلی و نبرد نهایی با امپریالیسم
تجاوز آمریکا، ریشه کن ساختن
هرورده است، که ستون پنجم
دشمن است و لجهای از تحریک
و تقنین و صیبه علیه انقلاب ما
غافل نیست.
در شرایطی که عوادمی مردم
به پیروی از آرمان و آزادی استقلال
طلبی و کینه و نفرت نسبت به
امپریالیسم مسلطه گر، یک دل و

جنگ تحسلی و تجاوز کارانه
دارد صدام حسین علیه ایران
انقلاب، که فصل خونین نازم ای
از تجاوز امپریالیسم دستان امریکا
به همین آزاد ماست، موجب شد
که همه مسائل را تحت الشعاع
قرار دهد و بحق به مسئله گری
سیاست کشور و همه عناصر،
گروهها و سازمانهای میمن دوست
بدل شود، همه نیروها در آن
سوئی بسج شوند که پیروزی ما
را بر خصم تجاوز کار تضمین
کند و کلیه امکانات در آن راستای
بکار گرفته شوند، که غرض
قلمی را بر متجاوزان وارد سازد.
بر تردید باید ما بر امپریالیسم

این جنگ را آمریکا علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران بر اه انداخته است

ره صدساله می رود، چنین نیز شد.
بزودی یک مرز بندی دقیق در میان
دوستان و دشمنان جمهوری
اسلامی ایران، چه در داخل کشور
و چه در عرصه جهانی پدیدار
گشت، سوریه و لیبی و الجزایر
و جنبش آزادی بخش فلسطین و
جمهوری دمکراتیک خلق کرمو...
یاقتضای ماهیت ضد امپریالیستی
و خلقی و انقلابی خود در دسترس
جمهوری اسلامی ایران صف
کشیدند و شاه حسین و شاه خالد
و انور السادات و ضیاء الحق و
شاه حسن یاقتضای ماهیت خبیث
نوکری و وابستگی به امپریالیسم،
در کنار صدام، جناپکاران استندند
و در واقع، اگر با نظری وسیع تر
بر مسئله بنگریم، بیرونی خواهیم
دید که بر سر مسئله ایران و
دفاع از انقلاب و جمهوری
اسلامی ایران یک مرز بندی
وسیع بمقیاس جهانی صورت گرفته
است. این واقعیت که از همان
آغاز انقلاب ایران برای ما همه
کسانی که به جهان با دید علمی
منگردد، روشن بود، در جریان
جنگ تجاوزی رژیم صدام علیه
میهن ما در عمل بیانیات رسید،
یادابا رسید که تجاوز رژیم
صدام علیه جمهوری اسلامی ایران
یسود امپریالیسم جهانی، پسر-
کردگی آمریکاست، و طراح
و تحریک کننده این تجاوز نیز
آمریکابود است و نه کسی دیگری.
و امروز نیز، در حالی که جبهه
دوستان ایران در پستمر ایران
محکم و پابرجا ایستادند، در
سوی دیگر صف دشمنان جمهوری
اسلامی ایران نیز بسرگردگی
آمریکا علیه میهن آزاد و مستقل
ما منگر بسته اند.
و تکیه میگویم که جنگ
رژیم صدام علیه جمهوری اسلامی
ایران بسود آمریکاست، پایه
استدلالان تنها این حکم درشت
علمی نیست که، آمریکا امپریالیست
است و امپریالیسم ذاتا تجاوز و
بقیه در صفحه ۲

که فقط از احساس حقانیت خود
بر میخیزد نظرات رهبران و مسئولان
کشور ما و افکار عمومی کشور
ما، در همه رتبهها و زمینهها
ثابت کرد که رژیم صدام عراق
به کشور ما تجاوز کرده است و ما
در مقابل این تجاوز، از استقلال،
آزادی و شرف خلق و میهن خود،
از انقلاب بزرگ و امید آفرین
خود دفاع می کنیم.
در این جنگ ظالمانه و
راهنانه رژیم صدام، مراکز
تبلیغاتی امپریالیستی میسویستی
کوشیدند که گناه آنرا بگردن
ایران بیندازند. ولی بزودی و در
میدان واقعیت نبرد روشن شد که
میهن ما جز قربانی یک تجاوز
آشکار چیز دیگری نیست. مدافع
بودن ما، پایداری و قهرمانی و
فداکاری حمله آفرین خلق ما،

نبرد میان حق و باطل، آن
سنگ محکمی است که عیارها را
روشن میکند. و جنگ تحسلی
رژیم جناپکار صدام علیه کشور
آزاد و ازبندسته ما، یک سنگ
محک تاریخی و یکی از میدانهای
شخص گشتن اصل از قلب و
حقیقت از دروغ است.
در آغاز این جنگ ظالمانه
راهنانه رژیم صدام، مراکز
تبلیغاتی امپریالیستی میسویستی
کوشیدند که گناه آنرا بگردن
ایران بیندازند. ولی بزودی و در
میدان واقعیت نبرد روشن شد که
میهن ما جز قربانی یک تجاوز
آشکار چیز دیگری نیست. مدافع
بودن ما، پایداری و قهرمانی و
فداکاری حمله آفرین خلق ما،

رزمندگان قهرمان ایران مواضع دشمن را در جبههها کوبیدند

در حلات شبانه پاسداران
آبهای سرزمین انقلاب، در ۱۸
آبان، در منطقه جنوب، حدود ۲۵
مترور عراقی بهلاکت رسیدند و
۲ موضع مهمات دشمن به آتش
کشیده شد و یک خودروی مهمات
نابود شد.
ستاد مرکزی سپاه پاسداران
با انتشار اطلاعیه ای فضیلتهای
روزهای ۱۹ و ۱۸ آبان سپاه
پاسداران را در غرب و جنوب
غربی کشور اعلام کرد:
۱- رزمندگان پاسدار در جبهه
سوسنگرد حرکت چند مزدور را،
که به راه ۳۰ تانک در حرکت
بودند، سد کردند. در این نبرد
پاسداران، ضمن انهدام تانک،
بیش از یکصد نفر از دشمنان
را بهلاکت رساندند. در این نبرد
۲۴ تن از پاسداران دلاور مجروح
شدند. دشمن متجاوز، که در اثر
رشادت رزمندگان پاسدار شکست
بقیه در صفحه ۲

که سردیروز آتشبار یافتیم
از تاج نبردهای رزمندگان دلیر
ارتش جمهوری اسلامی ایران در
نیروهای زمینی و هوایی، بشرح
زیر باطلاع مردم رسانده شده
است:
الف- عملیات نیروی زمینی
۱- در جبهه غرب، روز ۱۹
آبان، یک فروند هلیکوپتر دشمن
سرنگون شد. در عملیات جنگی
در این جبهه حدود ۳۰ مزدور صدام
کشته و بیش از ۵۰ نفر مجروح
شدند.
۲- در جبهه سرسبز نهاب، بر-
آتش هلیکوپترهای عراقی روز
قهرمان، در ۱۸ آبان، ۴ سنگر
دشمنی دشمن به میزان ۱۰۰
درحد منهدم شد و تلفات قابل
توجهی به دشمن وارد آمد.
۳- در جبهه سوسنگرد در
نتیجه آتش توپخانه لشکر ۹۲،
برادران پاسدار و ژاندار، روز
۱۹ آبان، ۸ دستگاه تانک در
محور سوبله - استان منهدم و
تعداد زیادی از مزدوران کشته
و زخمی شدند.
۴- در جبهه دزفول هلی کوبتر-
های جنگنده عراقی روز ساختن
محل استقرار دشمن را منهدم
کردند و نفرات مستقر در آنرا
همراه با تعدادی خودرو نابود
ساختند.
۵- در جبهه آبادان رزمندگان
دلیر نیروی زمینی، در اطراف
رودخانه بهشتی، ۳ دستگاه
تانک را همراه با گروهی از قوای
دشمن منهدم و ۲ تن از افراد آن
را دستگیر کردند.
۶- در جبهه اهواز در نتیجه
آتش توپخانه سنگین نیروی زمینی
۱۵ دستگاه تانک، یک توپ و یک
خودروی دشمن نابود شد
و حدود ۴۰ تن از مزدوران صدام
به هلاکت رسیدند.
۷- در جبهه رودخانه کرخه گنابای
گشتی ارتش پروری قوای دشمن
آتش گشودند، که در نتیجه در
داخل قوای دشمن آتشبار ایجاد
شد، مزدوران روحیه خود را
بناخته، بجان هم افتادند و تلفات
سنگینی بیکدیگر وارد کردند.
ب- عملیات نیروی دریایی

نبرد قهرمانانه ارتش جمهوری
اسلامی ایران، سپاه پاسداران
و نیروهای مردمی در تمام جبهه
های جنگ علیه متجاوزان صدامی
ادامه دارد:
۱- بر اساس گزارش خیرگزاری
پارس از کرمانشاه، رزمندگان
دلاور جمهوری اسلامی ایران در
جبهه های غرب همچنان به نبرد
علیه نیروهای متجاوز رژیم عراق
ادامه میدهند و تلفات و خسارات
قابل توجهی در جبهه های سرسبز-
نهاب، سرسبزین، سومار، گیلان-
غرب و گانر سر به دشمن متجاوز
وارد کرده اند.
بنابر همین گزارش، در جبهه
سرسبزین دیروز دو تانک دشمن
مورد اصابت آتش توپخانه مدافعان
انقلاب اسلامی قرار گرفت و یکی
از تانکها منهدم و تانک دیگری
آتش کشیده شد و خدمه تانک
به هلاکت رسیدند.
بر اساس گزارش همین خیر-
گزاری، مطابق استاندارد اسلام
اطلاع داد که رزمندگان دلیر
جمهوری اسلامی ایران دیروز در
این منطقه موفق شدند یک دستگاه
موتورک هدایت شونده دشمن را
به وسیله خمپاره بکلی منهدم
سازند و بیک تانک متجاوزان
را به آتش بکشند. در این درگیری
تعدادی از افراد دشمن به هلاکت
رسیدند.
اطلاعیه شماره ۲۷۲ ستاد
مشترک ارتش جمهوری اسلامی
ایران نیز حاکی است که قهرمانان
هوایی نیروی زمینی ارتش
جمهوری اسلامی ایران (هوانیروز)
روز ۱۹ آبان در منطقه جنوب
غربی اهواز، در یک یورش ناگهانی،
تلفات و خسارات به این شرح
به دشمنان وارد آورده اند:
۱- معدوم کردن بیش از یکصد
مزدور صدام و زخمی کردن حداقل
۴۰ نفر از نفرات دشمن،
۲- انهدام ۹ دستگاه تانک و
خدمه آنها،
۳- انهدام یک توپ سبک و
سه دستگاه خودرو با نفرات مربوطه،
۴- به آتش کشیدن یک چادر
مهمات دشمن.
در اطلاعیه شماره ۲۷۹ ستاد
مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران،

در صفحات بعد

اعلامیه سازمان ایالتی حزب توده ایران در خوزستان
بمناسبت شهادت رفیق سیمین سلامی زاده
امداد گری از سنگرهای
مقاومت
که به تبار شهیدان پیوست

بیکر باه امدادگر سنگرهای حماسه و شهادت شهر ملشهور
آبادان، رفیق شهید سیمین سلامی زاده بردستهای خلق
زحمتکش ما نشر تشیع شد.
صفحه ۸

این افتراات کذب محض است
صفحه ۲

ساد اقیسم
در باره یک شگرد ابلیسی امپریالیستی برای مسخ
انقلابهای ضد امپریالیستی
صفحه ۲

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

لازمه پیروزی...

بقیه از صفحه ۱

گرانی، ایجاد هرج و مرج، بیثباتی و یاس در اذهان ساده و اقتصاددین بذر نفاق و اختلاف، به مقصد پلید خود، که شکست انقلاب است، دست یابد.

ضدانقلاب داخلی در عرصه تولید صنعتی، در شرایطی که تولید هر چه بیشتر از عوامل فوق ما بردن حمله گر است، به سبب آنکه های گوناگون و از جمله کمبود مواد اولیه، قطع برقی، حداقل مستنزد کارگران و غیره، و غیره، در روند تولید کمرشکنی میکند، تولید را تحلیل می کند و کارگران را به خیابان می ریزد. کارفرمایان و مدیران طاقوتی، که سایرین دراز به غارت میلیاردها ریالی هارت داشتند، اکنون که نظام جمهوری اسلامی آن مناسبات ظالمانه را متحول ساخته و تحصیل آن سودهای بادآورده را ناممکن نموده است، هر کجا که توانسته اند، سرمایه های خود را از عرصه تولید خارج و به عرصه بازار گانی، که هنوز منبع سودهای کلان است، منتقل ساخته اند. بدینسان، آنها هر در عرصه تولید مانع از افزایش کالا و تأمین نیاز جبهه و پشت جبهه میشوند، هم با اخراج کارگران بر فرضیاتی می افزایند و هم به غارت خود ادامه میدهند. در شرایط ویژه گونی، بخش بازار گانی، عرصه گسترده فعالیت ضد انقلاب داخلی است. عدم اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی در مورد ملی کردن بازار گانی خارجی موفقیت ضدانقلاب داخلی را در این عرصه تضمین کرده است. که با تسلط بر بازار، واردات و توزیع، جهان را به کام خویش کردند. چه بسیار سرمایه داران وابسته - فعال در بخش بازار گانی که در دوران پس از انقلاب ثروت خود را چندبرابر کرده اند. آنها که بگفته آن مقام وزارت بازرگانی، حتی جوش شیرین کیلوشی ۳ تومان را به بهای ۸۷ تومان می فروشد، آنها که با احتکار کالا، های مورد نیاز مردم، بیای برنج و روغن و زغال و سیگار را به مرزهای طاقشکن رسانده اند، آنها که با سوءاستفاده از شرایط ویژه جنگ، هر کمبود و هر نارسائی را بفتح جیب خود به مثلاً تبدیل میکنند، آنها که بجای هدیه و هبهائی با توجه های محروم و دفاع از انقلاب، سرگرم بهرم برداری از پیامدهای جنگ سود خویشند، بی تردید ضدانقلابند و باید بدون تخییر دستشان از اقتصاد کوتاه شود.

ضدانقلاب داخلی در روستاها نیز، فعال است. قودالها و زمین داران بزرگ طی دو سال پس از انقلاب، بکنگ دستیاران خود، مانع از آن شدند که اصلاحات ارضی انقلابی، بسود دهقانان انجام شود، و زمانی که پس از جدالهاو کسبکهای نهان و آشکار، قانون مصوب شورای انقلاب، بتبطل به عمل مشخص نبود دهقانان شد و هیئت های هفت نفری تقسیم اراضی راه روستاها شدند، ضدانقلاب داخلی جنگ تحلیلی را بهانه عدم اجرای قانون قرارداد و بلندگوییان خود را به میدان فرستاد. خوشبختانه موافقت صریح امام خمینی با نظر آیات عظام: منتظری، بهشتی و مشکینی، مبنی بر اجرای قانون مصوب، نقشه ضدانقلاب را باطل ساخت.

وزمندگان قهرمان ..

بقیه از صفحه ۱

خود را و ناگزیر به عقب نشینی شده بود، روستاهای شایر اطراف رادر زیر آتش توپخانه و خمپاره اندازهای خود قرار داد. طی این حمله ناجوانمردانه، ۲ تن غیر نظامی در روستای دهلاویه به شهادت رسیدند.

۲- برادران پاسدار در ۴۸ ساعت گذشته چندین بار با عملیات چریکی مواضع دشمن یعنی در منطقه غرب را مورد حمله قرار دادند. در این عملیات تعدادی از مزدوران به هلاکت رسیدند و گروهی نیز زخمی شدند.

۳- یک گروه از برادران رزمنده سپاه پاسداران در جنوب کشور، روز ۱۹ آبان ماه، به همراه عثمانی فریب محلی، بانفوذ در قلب دشمن، با ایجاد کمین و آتش به یک دستگاه خودرویی اوپال دشمن حمله و آنرا بکلی منهدم کردند و کلیه سرنشینان آن را به هلاکت رساندند.

برادران پاسدار پس از این عملیات هیکل سالم بهایکهای خود بازگشتند. همچنین ۲ نفر از سربازان فریب خورده ارتش بهت مراق در غرب رودخانه کرخه دیروز خود را به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ستقر در جبهه تسلیم و اظهار کردند که روحیه جنگی سربازان و فرماندهان ارتش بهت بسخت خفیف است و اغلب منتظر فرصت برای فرار و پیوستن به ارتش اسلام هستند. یک مقام موثق و آگاه در جبهه صالح آباد گزارش داد، معرزم دروغ رازیبی رادیو بغداد، که اعلام کرده است در عملیات جباران هوایی منطقه صالح آباد در غرب کشور ۱۰۰ نفر از مردم وطن ما کشته شده اند، جهت رفع هرگونه تکرانی با اطلاع می رسانند: نیرو های دشمن در این جبهه بقدری ضعیف و ناتوانند که از انجام هرگونه حمله علیه نیروهای دلاور ما و مردم قهرمان و مسلمان منطقه عاجز شده اند و اصولاً هیچگونه حمله هوایی نیز به این منطقه صورت نگرفته است.

همچنین یکی از برادران دلیر و رزمنده سپاه پاسداران انقلاب در جبهه غرب به خبرگزاری پارس اظهار داشت: «از شروع این جنگ تحلیلی برادران سپاه هاتنگ با برادران ارتش خود فعالیت های وسیعی انجام دادند و با دلاوریهای خود مفت محکم بر دهان مزدوران عراقی وارد آورده و می آورند».

وی تأکید کرد: «روز نیست که فاتکهای این مزدوران منهدم نشده و روزی نیست که در حدود ۵۰ تا ۱۰۰ نفر از مزدوران متجاوز به هلاکت نرسند».

این جنگ را...

بقیه از صفحه ۱

قدر است، بلکه علامه مشاهده می کنیم که آمریکا با مقابله خصمانه علیه انقلاب شکوهمند ایران و جمهوری اسلامی ایران از همان آغاز انقلاب، و بویژه پس از تحریک رژیم صدام به تهاجم و تجاوز علیه کشور مستقل و آزاد ما، چه بهانه ها و امکانات دستاویز هائی برای اجرای سیاست اجبرالیستی خود بنمست آورده است.

اولاً امریالیسم آمریکایا تحریک رژیم صدام به تجاوز علیه کشور ما، چشمن توطئه خود را برای براندازی جمهوری اسلامی ایران اجرا کرده است. نقشه کلی در این تجاوز این بود که با یک ضربت فلفلیکیزانه کاری، در ظرف چند روز، نیروهای مسلح ایران و بنیه اقتصادی کشور و انجام اجتماعی و سیاسی را فلج و مختل سازند، قسمتی از خاک ایران را اشغال کنند، در آن جا یکی از نوکران فراری آمریکا از قبیل بختیار را به کرسی حاکمیت بنشانند، سپس این عروسک دست نشانده را برصمیت بنشانند و بدین ترتیب ایران را جزیره کنند، و سپس از بخش زیر سلطه خود بخش انقلابی دیگر را از خارج و داخل زیر ضربات مهلک بگیرند و گزارش را خاتمه دهند.

این نقشه شیطانی به دست خلق دلاور ما و نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران و درایت و قطعیت رهبر انقلاب و هم مشولان متحد نقش بر آب شده است.

ثانیاً - امریالیسم آمریکا با تحریک رژیم صدام به تجاوز علیه کشور ما، این نقشه «دیدنی» را هم داشت و شارود که، اگر نقشه اول سرنگرفت، آنگاه با تحمیل جنگ فرمایشی دراز مدت از طرفی و تشکل و تزکر و تهاجم و تعرض نیروهای ضدانقلابی از داخل کشور از طرف دیگر، با استفاده از مشکلاتی که جنگ بوجود خواهد آورد، راه را برای اظهار وجود فعال نیروهای ضد انقلاب باز کند، تا آنها سر از غلاف بیرون آورند و با انواع وسائل، و از جمله سخو استحاله قهرائی انقلاب، انقلاب را به سازش و تسلیمو شکست بکشاند.

ثالثاً امریالیسم آمریکا با تحریک رژیم صدام به تجاوز علیه کشور ما، این بهانه را بنمست خود برای خود خلق کرده که، گویا راه دریائی نفت و تنگه هرمز در خطر است! و برای رفع این «خطر» باید در اینجا «حضور داشت»، علی رغم بیانات مکرر دولت ایران در مورد تضمین امنیت راهابه نفت و تنگه هرمز و اجرای عدد در صد این تضمین، دولت آمریکا قریباً ۷۰ تار جنگی خود و همستان انگلیسی و فرانسوی و آلمانی و استرالیائی خود را با صدها هواپیما و کلاک اتمی و هزارها سرباز و غیره در این منطقه متمرکز کرده است. آمریکا ارتشهای کشور های دست نشانده منطقه را باز هم بیشتر مجهز می سازد و پایگام ها و فرودگاههای جدید برای خود در منطقه بوجود می آورد.

این لشکرکشی امریالیسم جهانی، بسرکردگی آمریکا، به منطقه اقیانوس هند و خلیج فارس، در واقع لشکرکشی سرتاسری امریالیسم جهانی است.

جشن های ششمین سالگرد استقلال

آنگولا باشکوه فراوان بر گزار شد

مردم آنگولا در طول دوران استقلال به پیشرفتهای چشمگیری دست یافته اند.

مردم آنگولا بمناسبت ششمین سالگرد استقلال خود جشن های باشکوهی در سرتاسر کشور بر گزار کردند.

مردم آنگولا در طول دوران استقلال، در زمینه های مختلف صنعتی، کشاورزی، بهداشتی و آموزشی به پیشرفتهای بسیار چشمگیری دست یافته اند. رهبران آنگولا بارها از کمکهای پرشانه گویا، اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی، که به منظور تحکیم روند انقلابی در کشور صورت گرفته است، ستایش کرده اند.

توتید برژنه رهبر شوروی، در پیامی برای خوزه انوار دو دوتس ساتوش، رهبر حزب کارگران آنگولا (مپلا) و رئیس جمهوری آنگولا گفت:

«تاجد شوروی که صدقانه به اصول لنینی اترتسولنالیسم پروتری وودار است، دوست و متحد آنگولا بوده و خواهد بود».

رهبر شوروی یاد آور شد: «صیلت خارجی آنگولا در مورد مبارزه علیه امریالیسم و استعمار و حمایت از جنبشهای رهنائی بخش ملی روز به روز احترام بین المللی بیشتری برخوردار می شود. توانایی کشور جوان آنگولا برای مقابله با ژاندرستان آفریقائی جنوبی و دندن پسخ دندان شکن به فعالیت های تجاویز کارانه ژاندرستان، که یوسله محافل ارتجاعی و قدرتهای امریالیستی برانگیخته می شوند، مورد تحسین و حمایت هر چه بیشتر نیروهای ترقیخواه در سطح جهان قرار گرفته است».

آنگولای انقلابی قطبانه در مسیر سوسیالیسم گام بر می دارد و تلاشهای محافل ارتجاعی برای منحرف کردن این مسیر را بانسکت مواجه می کند.

همکاریهای ویتنام و جمهوری دمکراتیک خلق

یعنی گسترش می یابد

تگوبین جیله، عضو دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست ویتنام و معاون نخست وزیر این کشور در عدن، ما علی ناصر محمد رهبر جمهوری دمکراتیک خلق یمن ملاقات کرد. در جریان این ملاقات، اوضاع خاورمیانه و جنبش ترقی آسیا و همچنین گسترش هر چه بیشتر همکاریهای دو کشور در زمینه های مختلف مورد بحث قرار گرفت. مذاکرات رسمی میان دو کشور ادامه دارد.

الیسم جهانی علیه خلق های خورمیانه و نزدیک است، که با تحولات بزرگ انقلابی در مقیاس جهانی و تغییر تناسب قوای جهانی بسود استقلال و آزادی خلقها، و بویژه با تأثیر حیات بخش انقلاب شکوهمند ایران، هر روز بیشتر بیدار میشوند و برای رهنائی بین و ذخائر و سرنوست خود از جنگال امریالیسم خونخوار جهانی، بیا می خیزند.

این لشکرکشی امریالیسم جهانی، بسرکردگی امریالیسم آمریکا، بمنطقه اقیانوس هند و خلیج فارس، در واقع حمل ماجرا - جویانه و تهبکارانه است علیه جنبش انقلابی و رهنائی بخش سر نسر جهان، که گردان ضربتی و پشتیبان شکست ناپذیر آنرا کشورهای سوسیالیستی تشکیل میدهند. این عمل آمریکا، که می تواند صلح و امنیت منطقه و سرتاسر جهان را در خطر قرار دهد، عملی است در دست تشدید تنخ جهانی، ترویج میلیتاریسم و توسعه بازار فروش تسلیحات و درآمدهای باد آورده و بی حساب کارخانه های اسلحه سازی. و قبل از همه، مجتمع نظامی صنعتی آمریکا، که آمریکا می خواهد از تحریک جنگ رژیم صدام علیه ایران بنمست آورد، سوره های ظالمانه، راهزانه و ضد بشری استو جنگ تجاویز گران صدامی علیه ایران، همانطور که گفتیم، آن میدان ظهور حقایق است که قبل از هر چیز به خلقهای ایران و عراق و سپس به خلقهای منطقه و سرتاسر جهان کمک می کند تا سودبرنده این جنگ را بدرستی تشخیص دهند.

تشخیص محرک واقعی این جنبش تجاویز، برای انقلاب و جمهوری

تصحیح

در نامه «سرد»، در شماره ۳۶۸، آمده است که سرمقاله روزنامه انقلاب اسلامی، مورخ ۱۴ آبان ۵۹، در اساس به نامزاکوشی و اتهام زنی علیه حزب توده ایران اختصاص داده شده است.

تاریخ ۱۴ آبان ۵۹ غلط و ۱۹ آبان ۵۹ صحیح است.

برای مقابله با تجاوز نظامی آمریکا، تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

ساداتیسیم

درباره یک شگرد امپریالیستی برای مسخ انقلابیهای ضد امپریالیستی

باید همه شیوه‌های ضد انقلابی امپریالیسم را شناخت، تا توانست با آنها به درستی مبارزه کرد

اساسی را بکار می‌برد: یکی براندازی و دیگری مسخ. هر دو این شگردها در عین حال بکار می‌روند. هدف اساسی براندازی مستقیم است. برای آنکه رژیم از نوع رژیم‌های پنتاگون سرکار ساد. اگر این هدف به علتی از ملل موفق شد، (که هرگز از آن انصراف حاصل نشود) در آن صورت باید طریق "سج" را بکاربرد.

سج، عینی تغییر ماهیت تدریجی یک رژیم ضد امپریالیستی به رژیم طرفدار امپریالیسم، به کمک پاران نقادار امپریالیسم، که خود را در جنبش‌های انقلابی ضد امپریالیستی حامی می‌زنند، و انتقال قدرت از دست عناصر دیگر ضد امپریالیست به دست عناصر متحد امپریالیست، که برخلاف پهلوی‌ها از اینکه دوستی ایشان با آمریکا مانند کوه محکم است (فرمایش ملوکانه) دم می‌زنند، بلکه سخنان انقلابی بر زبان دارند، همان حرفهائی را تکرار می‌کنند که مردم انقلاب کرده می‌پندند. ولی عطشان هکی طور دیگری است.

برای اجرای این مسخ در انقلاب، هزاران شگرد تازه از طرف نقشه برداران امپریالیستی (از قبیل کسینجر و برزینسکی و امثال آنها) طراحی می‌شود. نقشه‌ها همیشه بسیار بویابانه و خوش ظاهر و فریبنده است و مهربان چنان چه اندر سنجی از راست راست تا "چپ چپ" چیده می‌شود، که نه فقط افراد خام و بی‌خبر کج می‌شوند، بلکه حتی افراد زیرک و مواظب گاه بدام می‌افتند.

در خود ایران ما، از زمان عوام مریخی‌های هوشنگ انصاری‌ها و تریب امامی‌ها و شاهپور-بختیارها شروع کردیم و بی‌شاید تا این دوران، که کسانی به نام "آزادی"، "آزادی مبارزه با آخوندیسیم"، "دلسوختگی برای مین که بر باد می‌رود"، در انواع جامه‌ها، روحانی و غیرروحانی مذهبی و عرفی، تا حد "مارکسیسم-لنینیسم" خود ساخته عمل می‌کنند، و ببینید که چه صحنه کج کننده‌ای به وجود می‌آید!

باید تاکید کرد که اگر افشاگری هسته انقلابی رهبری جمهوری اسلامی ایران و بر رای آن امام خمینی، و عمل به موقع رهبری نبود، اکنون مدتها بود که مسخ در کشور ما انجام گرفته بود. یکی از شیوه‌های "کلاسیک" مسخ عبارتست از آوردن یک "جانستین سازگار" بمعای "رهبرنا-سازگار". این شگرد ما "ایرانیون"، که در آمریکا به عنوان "ایرانیون ماورن رئیس جمهور" دوقرون است اجرا می‌شود، عبارت از آنست که: معاون همیشه آدم کاملاً مطمئن و سرسپرده باشد، تا اگر رئیس احیاناً از جاده خود گامی خارج شد، به نحوی سر به نیست شود، که بعدها دیگران حد خود را بدانند. پس از سر به نیست شدن رئیس، طبق قاعده، معاون جای او را می‌گیرد و خطر معکولی مرتفع می‌گردد. عده‌ای مرگ مرموز فرانکلین روزولت و قتل جان کندی و قتل رابرت کندی را به این شیوه مربوط می‌سازند. البته این افراد را نمی‌توان با هم یکی دانست. ولی این وجه مشترک بین آنها وجود دارد که هر کدام به نحوی محافظ ماورا ارتجاعی امپریالیسم آمریکا را با سیاست "غیر منطبق" خود تکرار کرده بودند و باید ادب می‌شدید.

این شیوه "سج بعدها" "مادرشد" و حداقل در مصر و عراق و افغانستان به کار رفت. در مصر، جمال عبدالناصر در جوش و شگوفائی حیات از بین می‌رود و سخنان بسیاری در میان است که او را با توطئه خاصی نابود ساختند و حتی از شرکت پزشک خصوصی او (که گویا با مومادرا بنه داشته) در این توطئه درجه‌ای صحبت شده است. بهرحرحت، همانطور که ترومن جانستین روزولت و جانستین جانستین شد و رابرت کندی که شانس ریاست جمهور شدن داشت، قبل از انتخاب از بین برده شد، راه برای سیکون عموار گردید، به همان ترتیب محمدانور السادات، حاسوس قدیمی گشتاپو، جانستین ناصر کردید و در این مورد اخیر می‌توان گفت: "به جای سج کافوری چراغ نفت می‌سوزد".

انورالسادات عضو سازمان فاشیستی مصر در ایام جنگ به عامل گشتاپو بدل گردید و پس از آن که فهرست حاسوسان گشتاپو (شاید به وسیله بورمان) در اختیار "سج" قرار گرفت، آنها ارباب سازمان‌های توده‌ای و سندیکاهای آنها کمک کنیم، به پاسداری از منافع آنها همت ورزیم و با سرکوب و استتار آنها به مقابله بپردازیم.

۵- لازمست که از مقاومت خلق خود در مناطق اشغالی پشتیبانی همه جانبه کنیم و از هیچ گونه کمک مادی به آنها دریغ نوزیم. از این راه خواهیم توانست ابتدائی فلسطینی‌ها را تادوم بختیم، مبارزه آنها را گسترش دهیم و توسعه نهادهای ملی آنها را تضمین کنیم. بویژه باید مناسبات خود را با توده‌های فلسطینی، که در سال ۱۹۴۸ و ۱۳۳۲) سرزمینشان به تصرف در آمد، تحکیم بخشیم و آنها را مجهز سازیم تا در برابر تلاش برای شکستن وحدت و سرکوب هویت عربی شان مقاومت ورزند.

۶- وظیفه ما است که عزم خویش را برای ایجاد فلسطینی مستقل تصریح کنیم و همه گردان-های انقلاب فلسطین را متقاعد سازیم تا در راه پیشبرد این هدف پایداری نشان دهند.

۷- در پرتو مقام رهبری کننده جنبش ما در "سازمان آزادی بخش فلسطین" و سه اقتصادی برنامه سیاسی و واقعیت سیاسی "سازمان آزادی بخش فلسطین" در صحنه سیاست بین المللی و کشورهای عرب، کنگره چهارم قطننامه‌های (آخرین) "کنگره ملی فلسطین" را به مثابه مکمل برنامه سیاسی جنبش می‌شمرد. زیرا که این قطننامه با اصول، هدفها و برنامه سیاسی جنبش ما مغایرتی ندارد.

۸- بر ماست که جنبش زموه پانزنان فلسطین را در همه سطوح سازماندهی کنیم و بگوئیم تا کارآیی بیکار آنها را هر چه بیشتر افزایش دهیم.

بقیه در صفحه ۶

دردوران پس از حمله دوم جهانی، امپریالیسم آمریکا تحمل رزمهای استبدادی نظامی - سیاسی، از نوع رزمهای مستدر صابهلوی در ایران، وانیو دروستام حوسبی، سنگماری در کره، جوسبی، سوهارتو در اندونزی، پنونه در تیلی، مارکوس در فیلیپین، مویو در کنگو و امثال آن را نیوده، عمده تاسیس تسلط خود قرارداد. این رزمها وظائف مختلف و محتلفی را انجام می‌دهند و می‌دهند، ارسال وظیفه نظامی، به عنوان تاسیس پایگاه سوق الحسبی و "طعمه توب" و میدان فروش اسلحه، وظیفه اقتصادی، عنوان خریدار کالاها و سجن و کالاها و تحلی و فروخته، ارزان مواد اولیه کشاورزی و معدنی و مرکز قاچاق مواد مخدر، وظیفه فرهنگی (یا سترکونیم: ضد فرهنگی) مانند بخش شیوه، زدگی انحصاری سرمایه داری و اجراء تسلط مندل و امپراتور، ولی وسیع صدکومبستی و سرب کادو" ارزان علمی و فنی برای مراکز امپریالیستی، و زینت سیاسی- نظامی، ماسد شرکت در پیمانهای تجاوزکارانه (مانند سنو، ناتو، سنا، آتو، آمتان، آروس و غیره)

ما ایرانیان شیوه کامل و باصلاح مثل "علیای" این رژیم ساخت پنتاگون و سا را، که در شهر حمایت مجتمع نظامی- صنعتی (بسی بزرگترین شرکت‌های موشه اسلحه آمریکا) و کارتل بین المللی نفت قرار داشت، در وجود سلطه، خوسین و برحمانه، خانواده فرومایه و خائن پهلوی در ایران به چشم دیده‌ایم، و چه راه دراز و مصت بازی را باید طی کنیم، تا بتدریج کشور خود را از آسب آمده‌های ثوم ضد استقلال و ضد آزادی و ضد ترقی این رژیم رها سازیم و آن را به مقام برآورده‌اش برسانیم.

ولی تحول سریع اوضاع جهان پس از جنگ دوم جهانی، سطح حساسی انقلابی کارگری و جنبش رها جنبش ملی، بدانجا رسد که همرفیای سیاسی جهان رو به تغییر نهاد و سوزه در کشورهای "جهان سوم" یک سلسله رزمهای ضد امپریالیستی بید شد، مانند رژیم هوشی مین در ویتنام، فیدل کاسترو در کوبا، ناصر در مصر، سومدیس در الجزایر، فدایی در لیبی، حافظ اسد در سوریه، هابله ماریام در انبوی، نیو در کنگولا، ماشل در موزامبیک و غیره.

دردور این رزمهای ضد امپریالیست، که برخی از آنها مانند ویتنام و کوبا و دیگر کشور-های ظفر، برجم سوسالیسم علمی رانیز برافراشته‌اند، امپریالیسم آمریکا دو شگرد

عوض کردند و به جای گشتاپو به سازمان سیا پیوستند. محمدانورالسادات هم یکی از فوج ترس حاسوسان گشتاپو، که ما هم تب انسانى او را در ایران داریم و کم هم نداریم، مبدل گردید. برای اجراء خیانت هائی از قبیل "کمپ دیوبند" چنین حانوری لازم بود.

ایرانیون "سج" از رامعاشین سازی در مورد عراق هم به کار گرفته شد و در اینجا با کنار دادن حسن البکر بنفایده و شاید مزاحم و اهدام بی-رحمانه مخالفان صدام در رهبری حرب بهت، این عنصر تروریست (که نخستین نقشه نامرحام قتل عبدالکریم قاسم به دست او اجرا شده بود) را مامدار عراق گردید.

در مقاله "دیر اول کعبه مرکزی حزب توده ایران رفیق نورالدین کبائوری، تحت عنوان "تعاون نظامی صدام حاشن... مورخ ۲۳ مهر ۱۳۵۹" مکانسیم این مسخ با دقت فاش شده است و ما مطالعه دقیق این مقاله را به خوانندگان توصیه می‌کنیم و آن مطالب را تکرار نمی‌کنیم.

سادات و صدام هر دو به نحولت ضد امپریالیستی کشور خودشان خیانت کردند. نزدیکی نیست که این مسخ در دو کشور مختلف و در دو شرایط مختلف انجام گرفته و با هم تفاوت های جدی دارد و هر دو این هم نمی‌تواند است. مثلا نمی‌توان حسن البکر را با جمال عبدالناصر، رحل بزرگ مین دوست مصر قابل قیاس دانست. ولی اصل نکته در آنست که امپریالیسم، با بالا کشیدن مهره‌ای کدا کاملاً گوش به فرمان اوست (مانند سادات) با آمادگی کامل برای انجام سارشی با او را دارد (مانند صدام) به جای مهره‌ای که مرداندر برابر او ایستاده است (مانند ناصر) با خاصیتی برای او ندارد (مانند حسن البکر) روند مسخ را عمل می‌کنند و استکار عمل را در کشور مورد نظر کاملاً با تا حد زیادی به دست می‌گیرند.

این شیوه به شکل دیگری در افغانستان بکار رفت، بدین معنی که امپریالیسم آمریکا موفق شد عامل خود حقیقت‌اله امین را در رهبری انقلابی افغانستان وارد کند و بدست او قصد داشت این مسخ را انجام دهد. حفظ اله امین، با اجرای نقشه امپریالیسم آمریکا موفق شد که صدمات و لطمات بزرگی به انقلاب افغانستان وارد آورد. ولی خوشبختانه سروهیای انقلابی در افغانستان موفق شدند ماهیت حاسات کار او را بنسازند و به خلق افغانستان بشناسانند و توطئه ضد انقلابی او و ارایش را با شکست فطری مواجه سازند.

این روندانسته در نقاط دیگری، که در آن تحول ضد امپریالیستی روی داده (مثلاً مانند سومالی و سودان) به اشکال دیگری عمل شده است.

امپریالیسم موفق شد کسائی مانند زیاد ماروجعفری-ضمیری را، که خودشان در تحول ضد امپریالیستی کشورشان نقش داشته‌اند، از راه منحرف کند و سطره خود را به شکل کامل با نام بر آنها برقرار سازد.

این شگرد اخیر از طریق سوءاستفاده‌های که امپریالیسم از خاصیت دوگانگی این سیاستمداران برخاسته از میان فترهای متوسط جامعه می‌کند، تحقق می‌یابد، یعنی از روحیات صدکومبستی و تعصبات ملی گرایانه کاذب و دروغین با انحرافی آنها استفاده می‌کند، آنها را مرموب می‌سازد و سپس دست به تطمیع می‌زند و از کمک دلاری خود سخن می‌گوید و سرانجام طعمه را در دام می‌اندازد، به هر حدی که نتواند. در همه این مثالها وضع میا یکی نیست، چنان که بین زیادبیاره و جعفری‌ضمیری سز تفاوت هائی است. ولی مقصد وحدت شگرد حاسوسانه امپریالیستی است، که در هر مورد به کار رفته است. برای ما که در جهان یکی از بزرگترین انقلابات "جهان سوم" هستیم، درک شیوه‌های امپریالیستی برای شکست مستقیم یا غیر مستقیم انقلاب، و از آن جمله درک پدیده "ساداتیسیم"، که از جمله در سوره‌های تکنیکی مانند سادات و صدام و حفظ اله امین تبلور یافته است، سودمند است.

حالا امپریالیسم در کشور ما کلبه این شیوه‌های مستقیم و غیر مستقیم راه مرمض اجراء گذاشته است، و اگر همه این شیوه‌ها به نتیجه رسد، به قول صدام الاسلام شیخ صادق خلغالی، همین باقی می‌ماند که حودش "لخت خود بپاید میدان"!

دهبان و جنگی در عثمان ولنگر ۲۱ هزار نفری "واکنش سریع" و انواع دیگر تدارکات غلنی و سری از این مرحله نهائی تلاش آمریکا برای خرد کردن انقلاب ایران حکایت می‌کنند. نکته‌ای که حرب ما مرتباً ترا تذکر داده و نباید از آن حتی لمحهای غافل بود.

حزب ماهیبه تکرار کرده است که تاسین اتحاد وسیع کلبه نیروهای صدیق ضد امپریالیستی در داخل بدون تعصبات انحصارگرایانه موزیر استفاده جورانه از همه متحدان بین المللی، شرط حیاتی مقابل با امپریالیسم حونحوار و عدار است. این روش کوچکترین تناقصی با سیاست استقلال، عدم تصد و "نه شرقی و نه غربی" به معنوم درست آن ندارد. به شرط آن که شعار "نه شرقی و نه غربی" چنانکه غالباً متاسفانه دیده می‌شود (و این مسلماً کار عمال ماسک دار امپریالیسم و رباکاری های آنهاست) در عمل به شمار "نه شرقی" بدل نشود و خط برزینسکی برای "گوه زدن" ترس انقلاب ایران و متحدان طبیعی این انقلاب، به کامیابی های جدی دست نیابد. ما در این زمینه بدون کمترین چشمداشت با تنگ نظری و وظائف خود را انجام خواهیم داد.

درباره جنبش مقاومت فلسطین (۱)

الفتح - بزرگترین سازمان عضو «سازمان آزادی بخش فلسطین»

جنبش مقاومت فلسطین نه تنها در میان نهضت‌های آزادی بخش ملی جهان دارای مقامی ویژه است، بلکه به علت همبستگی سنتی میان مردم ایران و خلق فلسطین و پیوندهای گسست ناپذیر انقلابی ایران و فلسطین، در قلوب رزمندگان ضد امپریالیستی و مشرقی ایران جایی خاصی دارد. ما با موثرتیز، یک رشته مقالات را درباره جنبش مقاومت فلسطین و به منظور شناساندن هدفها، مسائل و نیروهای متشکله این جنبش آغاز می‌کنیم.

"الفتح" (تاسیس: ۱۳۳۵)، که از نظر شماره اعضا بزرگترین سازمان عضو "سازمان آزادی بخش فلسطین" (تاسیس: ۱۳۴۳) به شمار می‌رود، چهارمین کنگره خود را در روزهای ۱۲-۱۱ خرداد ۵۹ در نزدیکی دمشق برگزار کرد. این کنگره به اتفاق آراء با سرعرفات را به عنوان "فرمانده عالی نیروهای مسلح انقلاب فلسطین" و "العاصمه" (=گردنباد: شاخه نظامی "الفتح") برگزید. ابواباد و فاروق قدومی به ترتیب به معاونت فرمانده عالی و دبیری کمیته مرکزی "الفتح" انتخاب شدند. کنگره چهارم کمیته مرکزی به پیشین را تأیید کرد و پنج عضو جدید به آن افزود.

در برنامه سیاسی، که در پایان کنگره "الفتح" تصویب رسید، این سازمان بار دیگر عزم خود را مبنی بر تحکیم وحدت ملی فلسطینی-ها، اعلام داشت و تاکید کرد که باید، مزون بر سرد مسلحانه، از همه گونه شیوه‌های مبارزه برای

آزادی ملی استفاده جست. " برنامه سیاسی الفتح " پشتیبانی سازمان نامبرده را از تصمیم "کنگره ملی فلسطین" (۱۳۴۳) اعلام کرد که، تارهایی کامل فلسطین، در نقاط گوناگون این سرزمین نهادهای قدرت ملی ایجاد گردد. کنگره چهارم "الفتح" امپریالیسم آمریکا را دشمن اصلی انقلاب فلسطین و خلق‌های مشرب نامید و فلسطینی‌ها را فرا خواند، تا پیوند خویش را با کشورهای سوسیالیستی و در پیشاپیش آنها اتحاد شوروی، جنبش‌های آزادی بخش ملی، انقلاب ایران و همه نیروهای مشرقی و دمکراتیک جهان تحکیم بخشند.

در زیر بخشی از "برنامه سیاسی" کنگره چهارم "الفتح" را از نظر خوانندگان می‌گذرانیم:

درباره فلسطین

- ۱- لازمست که در راه تحکیم روز افزون وحدت ملی فلسطین در همه پهنه‌ها، چه در درون وجه در خارج از مناطق اشغالی، بر رهبری جنبش ما و در چارچوب "سازمان آزادی بخش فلسطین" کوشید و از این طریق گسترش همه اشکال بیکار مردم فلسطین را تضمین کرد.
- ۲- مهم آن است که با همه نیرو همکاری جنبش خود را با "سازمان آزادی بخش فلسطین" توسعه دهیم و بدینسان کارآیی، برنامه و سازماندهی آنرا به گونه‌ای بهبود بخشیم، که استقلال همه نهادهای آنرا تاسین کند.
- ۳- باید نبرد مسلحانه را در سراسر سرزمین اشغالی و همه مرزهای روماروی با دشمن صهیونیستی گسترش بخشید.
- ۴- باید توجه بیشتری به شکل خلق خود در همه کشورها مبدول داریم، به گسترش فعالیت

کارگران کارگاه موزائیک‌سازی تهران شرق:

این جنگ کار آمریکاست

سنتش را می‌پریم. می‌گوید ۱۶ سال دارد و ۳ ماه است در اینجا کار می‌کند و روزانه ۸۰۰ ریال حقوق می‌گیرد. ساعت کار در این کارگاه از ساعت ۷ صبح شروع می‌شود و تا ساعت ۱۲ ادامه می‌یابد. در این فاصله نیم ساعت برای صرف غذا در نظر گرفته شده است. کارگران مجبورند روزهای تعطیل رسمی را نیز کار کنند و جمعه نیز تا ساعت ۱۲ کار می‌کنند تا در ماه حقوق ۲۰ روز را دریافت کنند. ناظمی آقا، کارگری که روی دستگاه برسی کار می‌کند، وارد گفتگو می‌شود. ۵۰ ساله سطر می‌آید و لسی خودش می‌گوید ۴۰ سال دارد. در این کار ۱۵ سال سابقه دارد و در چند موزائیک سازی کار کرده است. با آخر وی رابه

موزائیک‌سازی تهران شرق که کارگاه سستا کوچکی است. در شرق تهران، انتهای خیابان ایران شرق، در انتهای خیابان تهران نو (جاده دماوند) مقلل اسرارچیت مازندران قرار دارد. در این کارگاه در حال حاضر تعداد ۷ کارگر کار می‌کنند و شاهی نیسیز کارگران این کارگاه سه نفر می‌باشد. عده‌ای از کارگران معانی لازم برای ساختن موزائیک (ش، سنگریزه، سیمان) را آماده می‌کنند. یک کارگر هم این مواد را با سست‌های معین در قالب قرار می‌دهد و زبردستگاه برسی می‌گذارد. کارگر هم موزائیک‌ها را پس از خشک شدن در یک دستگاه شستشو می‌گذارد. در این مرحله سطح موزائیک صاف می‌یابد و آماده فروش می‌شود. پس کارگران یک سوجوان کار کرده‌اند.

کارگران کارگاه سست به دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران متعهد. علی آقادر باره جنگ ایران و رژیم صدام می‌گوید: این جنگ کار آمریکا است. همه باید با رژیم صدام بجنگند. ما کارگران هم باید با کار خود در سرکار و در جبهه‌ها از انقلاب و کشور خود دفاع کنیم. کارگری که ۱۱ سال سابقه کار دارد می‌گوید: رژیم صدام را باید شکست داد و او را از خاک ایران بیرون کرد. من همیشه آماده رفتم به جبهه هفتم. همه کارگران ما باید که در آموزش نظامی سطح شرکت کنند، ولی شرایط کار و زمان کار آن‌ها این اجازه را سه کارگران نمی‌دهد. کارگران میخواهند که در سرکار به آن‌ها آموزش نظامی داده شود. خواست‌های کارگران را می‌توان به ترتیب زیر خلاصه کرد: ۱- اجرای قانون ۴ ساعت کار در هفته و بطور کلی اجرای قانون کار. ۲- بیمه همه کارگران. ۳- تامین بهداشت داخلی کارگاه.

کارگران مبارز ایران! در یک دست با ابزار کار و در دست دیگر با اسلحه، از میهن انقلابی دفاع کنید

گروهی از کارخانه ریسندگی و بافندگی «مقدم» به جبهه جنگ رفته‌اند. کارخانه «مقدم» در حال حاضر حدود ۱۳۰ کارگر دارد. کده‌الی پانزده در صد آن زن هستند. مالکیت کارخانه هم چنان دست «عبدالله مقدم» است، فقط یک مهندس از طرف دولت انتخاب شده است تا ناظر بر تولیدات کارخانه باشد. اغلب کارگران ساکن در «نظرآباد» و دهکده‌های اطراف آن و پاروشانی هستند که به علت کمبود درآمد و عدم تامین زندگی از راه کشاورزی، زراعت را رها کرده و در کارخانه «مقدم» به استخدام درآمده‌اند. در ایام انقلاب، کارگران این کارخانه، با اعتصابات بی‌دری خود، همراه سایر صنعتگران، با رژیم ترسیده پهلوی مبارزه می‌کردند و بعد از انقلاب سز برای تعمیق و تثبیت انقلاب تلاش می‌کنند. بعد از انقلاب تولید کارخانه تا حدودی پائین آمد، چون ماده اولیه آن از کشورهای امپریالیستی وارد می‌شد. اکنون نیز کارخانه از نظر مواد اولیه، ماشین آلات و لوازم بدکی وابسته به خارج است. در اثر تحریم اقتصادی غرب و یاشین آمدن سطح تولید کارخانه، مسئولین برای تهیه مواد اولیه و بویژه مواد شیمیایی (زرگری)، با چند کشور سوسیالیستی تماس گرفته‌اند و قسمتی از اقلام شیمیایی مورد نیاز کارخانه از آلمان، مکزیک وارد می‌شود. متأسفانه در این کارخانه آموزش نظامی برای کارگران وجود ندارد، چون صاحب

آورد. مراسم تشییع جنازه شهید هراج همبرچیان به نظر هراتی علیه این جنایت نسیع تبدیل شد و هزاران نفر شرکت کننده در این مراسم، عهد دوباره بستند، تا در راه اهداف مردمی شهید مکتوبند. به طوری که روزنامه «جمهوری اسلامی»، در شماره ۱۴ مهر ۱۳۵۹ خود، به درستی خاطرنشان ساخته است، این جنایت، کار ضدانقلاب بوده است. روزنامه نامبرده می‌افزاید: «قابل توجه است که ستون پنجم امپریالیسم، که خود را از همه جوانب شکست خورده می‌یابد، دست به این تئور ناخواسته زده است». در برابر خم‌نورده‌های ارمسی، عد انقلاب بر دسه تبلیغات آشکار و پنهان رده، تا افکار عمومی را از سوی حاسان منحرف کند. عناصر ضدانقلابی این حر را در بین مردم پخت کردند که گویا چون هراج همبرچیان زردی «چپ» بوده است، توسط سیه‌یاسداران کشته شده است. سلما، عناصری که این حار را حجل می‌کنند، هندی جز این ندارند که آرامه را نسبت به سیه‌یاسداران، این نهاد مهم انقلاب بدیسی سازند. کارشایه پراگنی این عناصر ضدانقلابی بجای رسید که رادیوی ایران آزاد بخنبار خاش سردر تفسیری بی‌ارمون قتل هراج همبرچیان، اورا عصری «چپ» نامید، که توسط سیه‌یاسداران سند قتل رسیده است. در شرایط حساس کنونی که میسب ما درگیر جنگی عادلانه علیه مردوران صدام حسین است و همکاری با سیه‌یاسداران و کمک همه‌جانبه به آنان جزو وظایف مقدم هراتی میسب دولت است، پخش اس گوبه تابعات سلما کار ضدانقلاب و ستون پنجم امپریالیسم می‌نواسد است. ما از کلبه‌یاسده‌سای انقلابی و بویژه سیه‌یاسداران می‌طلبیم که مرتکب این جناسات نسیع و عناصر نابعمار را ناسانی کنند و آن‌ها را تحویل دادگاه‌های انقلاب دهند، تا که کبر حسابات خود برسد.

ترو و هراج همبرچیان در اصفهان، کار ضد انقلاب است

نزدیک به ۴۰ روز پیش، عناصر ضدانقلابی به جنایت فجیعی دست زدند. هراج همبرچیان فرد مبارز و مردمی، در مقابل خانه خود در حلقای اصفهان مورد اصابت گلوله قرار گرفت و جان سپرد. خبر این جنایت موحی از خشم و انزجار در بین ارانسه، ایران و بخصوص ارانسه، حلقای اصفهان موجود است. که به نام انقلاب و اسلام دنبال می‌شد، از آن موقع به بعد راه‌آهنی و معالجه‌ها آمریکا بسته شد. اما مبارزه موشر آنچه انتظار میرسد، بیشترت کرد. با اینحال آمریکا که از این آشتی‌بندیری اما و انقلاب بخشم آمده بود، بردامنه توطئه‌ها و خصومت خود علیه امام و حسط انقلاب افزود، تا آنجا که پس از تنها جسم نظامی طین و طرح و اقدام به کودتاه تجاور نظامی عراق را مورد حمایت قرار داد تا انقلاب ورهسری ما را از جهت زیر فشار فرار دهد. محارمه اقتصادی فشار نظامی و تسلیفات وسیع سیاسی و انواع دیگر از تحریکات دیگر همه برای آنستکه امام و طرفداران خط انقلاب را از ادامه راه باز داشته مجبوره تبعیت از خط سازگار نمی‌نماید اکنون انقلاب اسلامی ایران ورهسری سازش‌ناپذیر آن ارهمه سوزیرفشار نظامی، سیاسی و اقتصادی قدرتهای نظامی داخلی و خارجی است. مبارزه با تهاجم آمریکا مستلزم مبارزه جدی با عوامل و یابگا معا و نیروهای داخلی وابسته‌بدان است. اگر در سست داخلی یعنی در مبارزه ما روابط استعماری، استعماری و استعمادی سستی خارج دهیم، اگر در سرکوب متجاوزان سه حقوق ملت از فثودالها و ملاکین، از سرمایه‌داران وابسته و محتکبران و دزدان بیت‌المال کوتاهی کنیم، در پیکا رمقدس علیه شیطان بزرگ موفقی نمی‌یمان نخواهد شد. (امت - ۱۴ آبان ۵۹)

در مطبوعات کشور برای مبارزه با شیطان بزرگ باید پایگاههای داخلی آنرا ازین بود

مبارزه سرنوشت‌ساز با استکبار جهانی و قدرتهای ارتجاعی وابسته‌بدان است. انقلاب اسلامی به یک سیاست خارجی فعال و انقلابی که بر موازین مکتب مستنی باشد، احتیاج دارد. انقلاب اسلامی ایران برای حفظ جوهر مکتبی خود ضرورتاً باید تدریجاً پذیرا دشمن بجنکد و در مقابل امپریالیسم هرگز راه آشتی و مصالحه پیش نگیرد و فریب و سوسه‌های فریبکارانه اولیا، شیطان نظیر حکومت مترج پاکستان را نخورد. آنچه این نوع حکومت‌ها ویا نیروهای سازشکار داخلی پیشنهاد و توصیه می‌کنند، در حقیقت راه ورسم شیطانسی است، زیرا فقط با راه ورسم شیطانسی می‌شود با استعمار و قدرتهای امپریالیستی همزیستی و دوستی داشت، در صورتی که انقلاب اسلامی ما وظیفه دارد که راه و رسم شیطان را پیش نگیرد «لاتتبعوا خطوات الشیطان». به هریشنها دورا عملی که متضمن خاتمه دادن به دشمنی انقلاب با دشمن شیطان صفت یعنی آمریکا باشد، راه عملی شیطان و در نتیجه ضدتوحیدی است. سال گذشته ما اشغال لانه جاسوسی آمریکا، دانشجویان مبارز و مسلمانی ما به پیروی از خواست ملت ورهنمودهای امام ضربه‌های موشر بر سیاست سازشکارانه با شیطان وارد کردند و اصل تضاد دشمنی بین انقلاب و امپریالیسم را مورد تأیید قرار دادند اشغال جاسوخانه آمریکا اقدامی انقلابی بود در رسیدن و گردن راه ورسم شیطانسی در برابر آمریکا و اتحاد راه و رسم مکتبی در مبارزه با آن اشغال جاسوخانه، پرده از توطئه‌ها و اقدامات سازشکارانه با شیطان را کسار زد و خط‌طلان برسیاسی غیرمکتبی کشید

زحمتکشان روستائی برای دفاع از میهن خود و انقلاب شکوهمند ایران آماده هر گونه مشارکت و فداکاری هستند

حاور عظامی رژیم صدام محسب به کور انقلابی ما ایران، که در فرمان امیرالسلیم آمریکا و برای محکم مواضع سطلی امیرالسلیم و حفظ سلطه این سلطان برک در منطقه انجام گرفت. با مقاومت بی‌وزیر و مبارزه دلاورانه ایرانیان دلیر آگاه و انقلابی روبرو شد. دلاوری‌های مردم ریحتمکن خورشیدان و از حشد کارگران شهرمان آبادان و جویس شهر در این جنگ محمسی سوجه است از اتحاد عظمی که در کوره سردهای دسوار آمده می‌شود و نشان‌های است از اعتقاد راسس رزمندگان انقلابی ما. صریح‌تر از سخن و سب و طبع. به انقلاب برتکوه ما.

اعلام آمادگی ناطه. مردم برای دفاع از کشور. از انقلاب و از جمهوری اسلامی ایران. با تنور انقلابی فزون از وضعی. که برای همیشه در تاریخ ما به یادگار خواهد ماند. قریب است. این خود سودار عشق و ایمنی ریحتمکنان ما و در راس آنها کارگران و دهقانان ریحتمکنی و همه مردم انقلابی به انقلاب شکوهمندی است که خود بار سنگر آنرا با بی‌گیری افتخارآفرینی تا بیرونی بر رژیم ساد ملعون به کرده‌های سرورند و آخیرین خودکنددهاند و بر آن دارند که همچنان آنرا افتخارآفرین به سس برسد.

سرد کارگران انقلابی. روستائیان مسین دوست و جوانان بیروز در خط مقدم جبهه و در پشت جبهه. گویای روحه. عالی مبارزهجویی و ایمنی عظیم انقلابی به بیرونی رژیم افشالگر صدام محسب است. علاوه بر شرکت جوانان بیروز و مسین دوست روستائی در جبهه‌های سرد جنوب و غرب. دسته دسته دهقانان ایران. در پشت جبهه. در برابر کشور آماده. دفاع از انقلاب خود می‌نویسد. انقلابی که تاکنون ضربات محکمی بر مواضع بزرگ مانکی وارد ساخته است و در تداوم خود. بی‌برسد رسه‌های فاسد آنرا برخواهد کرد.

شرکت دهقانان در سرد سب جبهه. در تولید هر چه بیشتر محصولات زراعی و دامی. در کاشتن همه. رسبه‌های قابل کشت. در جمع آوری و ارسال کتکهای مدانی مالی و حسی و بیوزر اعلام آمادگی برای شرکت در این جنگ عادلانه میهنی نخلی می‌کند. این شرکت بیروزشان می‌دهد که انقلاب ما عمدا در تفت و روح ریحتمکنان روستائی جا دارد و هیچ بیرونی قادر نخواهد بود در صورت همبازی و ایمنی این انقلاب دورنشان مستعین را دچار شکست سازد.

اعلام آمادگی روستائیان شان می‌دهد که دشمنان خارجی و داخلی انقلاب ما. امیرالسلیم و وانگنان به آن و محمله بزرگ مالکان. با بیرونی عظیم از دوستداران و مدافعان خان برکت انقلاب و از جمله مسلوبها دهقان ریحتمکنی روبرو هستند.

دهقانان ایران در طول سب ماهی که از انقلاب می‌گذرد. در سازاری از روستاهای کشور. با اجرای فرمان امام خمینی. مسی برکت و تولید بیشتر. یکی از دستاوردهای بزرگ انقلاب را عملا به روستای خود برده‌اند و در حل مسائل کشوری مستمرا شرکت و سهم‌تده‌اند. دهقانان ایران در حرمیان مبارزه بیکر خود برای حل مسئله. ارضی سوددهقانان نبی‌دست. برای از بین بردن بیاض عارت و فساد بزرگ مانکی و برای نامر آذوقه کشور و محصول کافی. بی‌برده‌اند که سل به این اهداف و در درجه اول آزادی از یوغ ستم رسانداران بزرگ. به معنی حفاظت و دفاع از انقلاب و از جمهوری اسلامی ایران است. از این جهت حاور رژیم معنی‌عزای محاکم ایران که در خدمت صانع امیرالسلیم حیثی و مخاطر براندازی انقلاب و نابودی جمهوری ماست. از نظر دهقانان ریحتمکنی محسودی سست و سرعوانب آن و از جمله انحال مزارع و کشتزارهایی از بر زمین‌های جنوب و غرب میهن ما نمی‌توان چانه زد.

نخاور هوانیماهای مرانی و بمباران ماطن روستائی و دهات و کشتزارها خودستدگویی ماهیت این جنگ محمسی است. دهقانان برای مقابله با این نخواستار اعلام آمادگی می‌کنند و عملا بیرونی‌ترکت مستقیم در جنگ. با رساندن آذوقه. با تولید بیشتر و کشت وسیعتر. با دادن کتک مالی و حسی این آمادگی را به نوبت می‌رسانند.

این آمادگی. قطعا. نقش مهمی در تقویت جبهه. مقاومت دارد. دهقانان این شرکت و آمادگی را وطبعه. انقلابی و میهنی و انسانی خود می‌دانند و هیچگونه چشم‌اندازی در برابر آن ندارند. منتی این وضعه. انقلابی سنوان آگاه و منهد است. که برای تقویت هر چه بیشتر جبهه. مقاومت و تحکیم هر چه بیشتر نیروهای انقلابی. به ضرورت گردآوری همالانه صوف دهقانان بدور انقلاب و درهم کوفتن پایگاههای صندانقلاب توجه‌کنند و با اتحاد تدابیر درست. سهری در نظر را برای این شرکت و آمادگی فراهم سازند.

لازم است به حواس‌های حق دهقانان رسیدگی کرد. باید اجرای قانون را آغاز و بزرگ مانکی. پایگاه داخلی امیرالسلیم را برای همیشه ویران ساخت. باید گدانت که توطئه. خطرناک تعویق و باحیرت واکداری رسبه‌ها و همدستی صدانقلابی بزرگ مالکان و موزران و مزدورانی که به آنها خدمت می‌کنند. به نسخه برسد. هر ضربه‌ای که به این پایگاه ساد و قارت و تروبروارد آید. بهال آزادی دهقانان را نارورتر می‌کند و دفاع بی‌چون چرای زحمتکشان روستائی از انقلاب محسب راسخ آن‌ها را به درهم شکستن نخواستار رژیم صدام محسب و توطئه‌گران آمریکائی صمدندان می‌سازد. این کار وحدت سب کارگران و دهقانان و همه. زحمتکشان را تحکیم میکند.

خلوی توطئه. بزرگ مالکان و عمال آنها و مداحان روحانی‌نمای آنها را باید هر چه زودتر و واضعتر گرفت. نباید گدانت که آمد مسلوبها دهقان به هشت‌های هفت‌غری و به اثرات انقلاب مدبل به ساس نمود. ساند موجه عیوان و حرم این توطئه بود و هر چه زودتر سر مار را کوفت. در سرباط کوبی که آمریکا در حال توطئه. دائمی. و آلت دست او صدام. در حال تجاوز مستقیم نظامی است. هرگونه تمل و تاجر در اجرای قانون. در حکم ایفای استعمار سیرحمانه. بزرگ‌مانکی و در حکم کتک بیک پایگاه امیرالسلیم و صدانقلابی است. این ضرورت نبرد ناطع علیه امیرالسلیم آمریکا و پایگاههای آن و مقابله همه‌جانه با تجاوز صدام حسین و دشمنان آن را ساند فراموش کرد. نباید از یاد برد که چه کسانی در حوزستان و غرب بیاری دشمن شناختند و برای ورود مهاجمین حسن گرفتند. این فتودالهای منطقه بودند که خاش از آب درآمدند و چهره. نوم صدامعلاسی خود را آشکار کردند و بیش از سبت س از آنها نیز. به حکم عادلانه. حجت‌الاسلام خلخالی. به برای اعمال سنگین خود رسیدند.

اما روستائیان ریحتمکنی ایران باید هر در همه‌جا. در جبهه و پشت جبهه. در سنگر نبرد و در کشتزار سبایت حاسازی و مقاومت از خود نشان می‌دهند و همه‌جا عملا و رسا اعلام می‌کنند که جاسدار انقلابی‌اند. زیرا انقلاب از آن همه. ریحتمکنان ایران و کارگران و دهقانان است. و آنها پاسدار انقلاب و مدافع جمهوری اسلامی ایران در برابر هرگونه تهاجم و تجاوز هستند.

مسائل تولیدی و شورائی دهقانان شور حیات



دولت توسلی - یکی از اهالی شور حیات
آوقلا آماده برای جهاد در راه تولید هر چه
بیشتر

در فاصله ۱۸ کیلومتری از راه اصلی گرگان - آق قلا (پهلوی دزاسق) حاده. ای خاکی بطول چهار کیلومتره روستای شور حیات می‌رود. در این روستا صد خانوار ساکن هستند. محصول عمده آن گندم است. فالی‌بانی در این روستا نیز. مثل اکثر روستاهای ترکمن‌نشین. یکی از مشاغل روستائیان است. بار صد خانوار ساکن در روستای شور حیات است خانوار بی زمین و کم‌زمین هستند. برخی حداکثر حدود هکتار زمینی دارند.

بزرگ مالک روستای شور حیات حدود ۴۰۰ هکتار زمین داشت. که پس از انقلاب از او سلب مالکیت گردید. در حال حاضر تمسین تکلیف قطعی نشده و وضع مالکیت اراضی کاملا مشخص نیست. زمین‌ها پس از انقلاب تاکنون. توسط روستائیان از طریق شورایی کشت شده‌اند. از آنجایی که مساحت زمین‌ها به چهار صد هکتار می‌رسد و در روستا تراکتوری جهت شیار اراضی وجود ندارد. کشت اسال آن‌ها با اشکالاتی مواجه شد.

روستائیان برای بهره‌آب‌آماندنی محبورند تا یک کیلومتره روستا بروند و از جاه عمیقی که آب آن صرفا مسور کشتا ورزی می‌گردد. آب‌آماندنی خود را تهیه کنند. از آنجا که این جاه بدون حفاظ و غیر بهداشتی است. دهقانان اواخر تابستان با خرتعالی از اعضای جهاد سازندگی استقبال کردند. که برای لوله‌کشی آب‌آماندنی به این روستا آمدند.

در روستا هنوز حماسی احدات نگریده است. این روستا برق دارد. لیکن روستا زادگان از نظر مدرسه و تمهیل در مصیقه‌اند. در شور حیات و تمام روستاهای اطراف. یک سب مدرسه راهنمایی وجود ندارد. روستا زادگان برای طی مسج کلاس ابتدایی باید هزار زحمت از این روستا به آن روستا بروند.

در شور حیات و روستاهای اطراف آن واحد سار بهداشتی. که ستواند حداقل اقدامات نخستین مداوا را انجام دهد. وجود ندارد. در این باره هم یکی از روستائیان می‌گفت: "خدا نکند بیک نفر از ما مریش شود. زیرا در این صورت باید بیمار را به شهر برسانیم."

جاهه ارتباطی شور حیات با راه آصفالته. آق قلا. گرگان نیز احتیاج به مرمت دارد. یکی از اهالی بنام دولت توسلی می‌گفت:

"اسال زمستان که می‌خواستیم با خودم یک کبسه آرد را از شهر به خانه بیاورم. در مرحله تقاطع با شهر. یک کبسه آرد در آب افتادم و نصف آردی که با خودم حمل می‌کردم. در آب ریخت. طغیان شیبه‌ای از رود "قوسو" نیز باعث اخلال در کار کشتا ورزی می‌گردد. بستر این رودخانه. به علت عدم لایروبی. نسبت به سطح اراضی زراعی بالا آمده است و هنگام طغیان بخت و سیمی از اراضی زراعی را می‌پوشاند. در سال قبل این مسئله موجب خسارت به روستائیان گردید. لیکن اسال جهاد سازندگی به لایروبی بخش سفلی این رودخانه پرداخت."

دهقانان روستای بیتم شاندرمن، سپاه پاسداران را مدافع حقوق از دست رفته خود می‌دانند

بعملت ظلم و ستمی که سالیان دراز از جانب زمینداران بزرگ خونخوار بر دهقانان روستای بیتم شاندرمن رفته است. در حدود ۳۷ نفر از دهقانان این روستا ۷ ماه است دست به مبارزه علیه مالکان بزرگ این منطقه زده‌اند. این دهقانان خواستار اجرای طرح استاد رضا اصفهانی جهت واگذاری زمین‌های زمینداران بزرگ به دهقانان بی‌زمین و کم زمین هستند. گذشته از اینها. دهقانان کم زمین ناچارند هنگام برداشت محصول. دسترخ خود را با مالکان تقسیم کنند.

دهقانان این روستا از سپاه پاسداران مومعه سرا. که در مبارزه علیه مالکان بزرگ کمک موثری به آنها کرده است بسیار راضی هستند. آنها خواستار کمک دیگر ارگان‌ها و مقامات به سپاه پاسداران هستند تا بتوانند زودتر به حقوق خود برسند. یکی از اعضای هیئت هفت‌غری این

در حدود دو ماه قبل در شور حیات شورایی تشکیل گردید. که کما سبب به وضع روستائیان رسیدگی می‌کند. پس از آنکه سلطه امیرالسلیم‌های غارتگر بین المللی و در راس آن آمریکا. با انقلاب شکوهمندمان برجیده شد. این دزدان جهانی کوشیدند تا سه حیل‌های گوناگون انقلاب راه انحراف و شکست بکشانند و مجددا سلطه خود را برقرار کنند. و در این راه تکیه خود را بر پایگاه‌های داخلی و سپر سردوران منطقه‌ای خود گذاشتند. گوشه‌ای از این تلاشها را ما هم اکنون در سبجسون و تهاور نظامی صدام حاش به کشور معان می‌بینیم. توطئه‌های اربابان و عمال آن‌ها برای جلوگیری از واگذاری زمین و ممانعت از گنت وسیع توسط دهقانان گوشه دیگری از این تلاش‌هاست. باید هر چه زودتر این پایگاه‌ها را در درون خانه خود منهدم کنیم تا بردش خارجی هم قطعی تر بیروز شود. تا جبر در این کار به ریان انقلاب است. باید هشت‌های هفت‌غری هر چه زودتر کار خود را آغاز کنند و با اجرای قانون اصلاحات ارضی سود دهقانان کم زمین وسی زمین فرب. سبایی را بر بزرگ مانکی. این پایگاه امیرالسلیم و آرد آورد.

از هم اکنون به منظور محدود کردن مشکلات پس از جنگ و تهیه ارزاق عمومی و بی‌نیاز کردن کشور از واردات حواری و بار لازم است با اجرای قانون اصلاحات ارضی. وسایل کارونیز امکانات زندگی شایسته را برای روستائیان معروم به تدریج مهیا کرد.

در شور حیات تکلیف ۴۰۰ هکتار زمین را باید قاطعانه بسود دهقانان زحمتکش تمسین کرد و شورای ده را فعال کرد و وسایل لازم. از جمله بذر. کود و دام را در اختیار آن قرارداد. برای جهادی که به فرمان امام خمینی برای رشد کشاورزی و تولید بیشتر باشد انجام گیرد. باید همه. وسایل و شرایط را آماده کرد.

روستا. که از حمایت سبادهای انقلابی برخوردار است. عقیده داشت که برخی از مقامات دولتی خلوی بای سپاه‌سنگ می‌اندازد.

میهن ما اکنون در کبر یک جنگ محمسی از جانب رژیم سردور صدام حسین است. صداعلات می‌کوشد سبای بهره‌گیری از سبایها و خواستهای که بجای مانده از طاغوت است. به نفع خود بهره‌گیری کند. مسلم است که دهقانان زحمتکش برای دفاع از میهن انقلابی خود لفظه‌ای درنگ نخواهند کرد و مشت محکمی بر دهان صداعلات خواهند کوفت. آنها. چه در جبهه جنگ و چه در کشتزارهای تولید محصول. به وظایف انقلابی خویش آگاهند.

دولت انقلاب قادر است با تشکیل سریع هیئت‌های ۷ نفری و واگذاری زمین و اجرای طرح اصلاحات ارضی به نفع دهقانان ریحتمکنی. نغشه‌های سطلایی صداعلات را غنیمت گذارد و بر شور مبارزه دهقانان سبای فرزند. همچین همکاری سبادهای انقلابی و ارگانهای دولتی سبک‌بگذرد. در شرایط حاضر. برای دفاع از میهن انقلابی و سرکوب توطئه‌های امیرالسلیم آمریکا ضرورت حیاتی دارد.

وام‌های کشاورزی را بصورت جنسی و خدماتی بموقع
و بطور جمعی، بنحویکه در تولید مؤثر باشد،
به شورای ده و به تعاونی‌ها برسانید.

بمناسبت پنجاهمین سالگرد پایه گذاری حزب کمونیست فیلیپین

حزب کمونیست فیلیپین در تاریخ ۴ شهریور ۱۳۰۹ پایه گذاری شد و روز ۱۶ آبان همان سال فعالیت خود را آغاز کرد. تاسیس حزب کمونیست فیلیپین را انقلاب کمونیستی اکتبر در روسیه و جنبش آزادی بخش ملی در آسیا، بویژه در چین و اندونزی، الهام بخشید. کمونیست های فیلیپین، در بنیانگذاری حزب خویش، همچنین از کمک های انترناسیونالیستی حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا بهره مند شدند.

بسیار بابت گذاران حزب کمونیست فیلیپین را کارگران، سه رهبری کوربتیانو او انجلستا (یکی از فعالان سندیکای کارگران جاپانه) تشکیل می دادند. برخی از آنها نیز دهقان بودند و یا از قشرهای میانه سوسیالیست بودند. در ترکیب نخستین رهبران حزب کمونیست فیلیپین، ضرورت رهبری طبقه کارگر، همبستگی با دهقانان و نقش ارزنده قشرهای میانه در پیکار آزادی بخش ملی و فرارویی آن به سوسیالیسم تجسم می یافت.

نخستین برنامه حزب کمونیست فیلیپین، هدف "حزب را ادامه" انقلاب تا تمام فیلیپین (۱۹۲۳) در شرایط جدید امر از حکومت طبقه کارگر در اتحاد شوروی و آغاز ساختمان سوسیالیسم در آن کشور تعیین میکرد. در تاسیس آن، در اوایل فعالیت های حزب کمونیست فیلیپین و جنبش های کارگری - دهقانی وابسته به آن، دولت استعماری بسیاری از رهبران حزب و سندیکاهای کارگری و دهقانی را دستگیر کرد و یک سال بعد به اتهام تشکل غیرقانونی در "دادگاه عالی" به محاکمه کشید. بدین ترتیب، نخستین دوره فعالیت قانونی حزب کمونیست فیلیپین پایان یافت.

اما حزب بی درنگ فعالیت خویش را در شرایط بنیانی ادامه داد و در میان دهقانان "لوزون مرکزی" و کارگران مانیل از محبوبیتی ویژه برخوردار شد.

حزب کمونیست فیلیپین با "حزب سوسیالیست فیلیپین" که در سال ۱۳۱۱ تاسیس یافت، به همکاری پرداخت. این همکاری خصوصی پس از

شرکت نمایندگان حزب، در کنگره هفتم "کمترین" و بازگشت آنها به فیلیپین گسترش یافت. دو حزب سه همکاری گسترده در مبارزه بسطی آزادی زندانیان سیاسی و رسمیت ساختن فعالیت علنی حزب کمونیست فیلیپین مبادرت ورزیدند. همکاری روزافزون میان دو حزب و کمک های انترناسیونالیستی حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا به وحدت حزب کمونیست فیلیپین، و حزب سوسیالیست فیلیپین در کنگره سوم حزب نخست و زیر نام حزب کمونیست فیلیپین، در سال ۱۳۱۷ انجامید.

پس از کنگره سوم، حزب کمونیست فیلیپین کارزار گسترده ای را برای تحکیم وحدت طبقه کارگر، همبستگی هر چه نزدیکتر با جنبش دهقانی و تشکیل جبهه متحدی با جنبش آزادی بخش در این دوران، گروه کثیری از روشنفکران و نمایندگان قشرهای میانه نیز به همکاری حزب برای دمکراسی و علیه فاشیسم روی آوردند.

حمله ژاپن به فیلیپین در زمستان ۱۳۲۵، به هیچ روی حزب کمونیست فیلیپین را غافلگیر نداشت. حزب که از مدت ها پیش انتظار چنین تهاجمی را داشت و خود را برای مقابله با آن آماده کرده بود، بی درنگ به تشکیل "هوک بالاهاپ" (ارتش خلقی ضدژاپن) و گردان های مسلح "جبهه متحد ملی ضدژاپن" پرداخت و قشرهای گوناگون مردم را، که از همکاری با دشمن سر باز می زدند، در آنها گردآورد. از آنجا که تنها حزب کمونیست فیلیپین به مقاومت در برابر دشمن مبادرت ورزید، ورهبران دیگر احزاب سیاسی کم و بیش به همکاری با دشمن تن دردادند، و جبهه و نفوذ حزب در میان توده های خلق بزودی رو به افزایش سریع نهاد. از سوی دیگر تمرکز فعالیت حزب کمونیست فیلیپین در مبارزه مسلحانه در مناطقی روستایی سبب گشت که ضرورت کار میان کارگران شهرها تا اندازه ای نادیده گرفته شود.

پس از شکست نیروهای اشغالگر ژاپن، حزب کمونیست فیلیپین پیکار قانونی خویش را از سر گرفت. حزب

به شکل جنبش های کارگری، دهقانی و دانشجویی پرداخت و با دیگر جنبش های مقاومت علیه ژاپن به تشکیل "ائتلاف دمکراتیک" اقدام کرد. در این جبهه مبارزه ضد امپریالیستی، کارگران، دهقانان، روشنفکران و حتی زمین داران و سرمایه داران مترقی شرکت داشتند.

حزب کمونیست فیلیپین پنجمین کنگره خود را در سال ۱۳۲۵ برگزار کرد و در همان سال در انتخابات ریاست جمهوری شرکت جست. در آن هنگام در "حزب ملی گرایان" انتخاب شد. گروهی از اعضای این حزب به ائتلاف با حزب کمونیست فیلیپین پرداخت، و برخی از آنها نیز "حزب لیبرال" را تشکیل دادند، که هوادار خواه آمریکا بود. هر چند نامزد حزب کمونیست فیلیپین در انتخابات ریاست جمهوری شکست خورد، اما چند کاندیدای "ائتلاف دمکراتیک" به نمایندگی یا رلمان آن کشور انتخاب شدند.

حزب آمریکا "لیبرال"، که اکثریت آرا پارلمان را به دست آورد، نمایندگان "ائتلاف دمکراتیک" را از تصاحب قانونی کرسی پارلمانی محروم نگه داشت. این حزب به تحریک و آزار دهقانان، که نیروی اصلی مبارزه ضد ژاپنی را تشکیل میدادند دست زد.

رژیم فیلیپین، که "حزب لیبرال" و "حزب ملی گرایان" به عنوان زمام آفرین دست گرفتند، به دستبازی آمریکا با جنگی مسلحانه را علیه دهقانان برافروخت. ایس کارزار نظامی ده سال به طول انجامید و تنها با شکست سیاست ضد کمونیستی و جنگ سرد امپریالیست های ایالات متحده آمریکا بود.

شکست پیکار مسلحانه، سر رهبری حزب کمونیست فیلیپین، سبب شد که تلفات سنگینی نصیب حزب گردد. اما حزب کمونیست فیلیپین بزودی به بسیج نیروهای خود و دیگر سازمان های توده ای کارگران، دهقانان، روشنفکران و دانشجویان و زنان اقدام ورزید و مبارزه این نیروها را زیر پرچم "جنبش پیشبرد ملی گراشی" ادامه داد. درست هنگامی که حزب کمونیست فیلیپین از وجه ملی چشمگیری برخوردار می گردید، آشکار شدن خط انحرافی "حزب کمونیست چین" در جنبش بین المللی کمونیستی، ضربه های سهمگین بر مبارزه کمونیست های فیلیپین فرود آورد. در سال ۱۳۲۷، گروهی از اعضای حزب کمونیست فیلیپین بویژه بخش دانشجویی آن، از حزب انشعاب کرد. به تشکیل حزبی مائوئیستی پرداخت و، به کمک فعال زمین داران و سیاستمداران مرتجع، عوامل "سیا" و برخی از چینی های بومی، ارتش نوین خلق را پایه نهاد. برزیدنت مارکوس، در پائیز ۱۳۵۱ به اعلام حکومت نظامی پرداخت و فعالیت همه احزاب انقلابی و جنبش های توده ای را ممنوع ساخت. هدف وی آن بود که بدین وسیله "ثبات و قاطعیت" رژیم خود را به ثبوت برساند و از این راه سرمایه های خارجی را برای تامین مالی اطلاعات اقتصادی و ارضی برنامه "جامعه نو" به فیلیپین جلب کند.

کنگره ششم حزب کمونیست فیلیپین در سال ۱۳۵۲ در شرایطی بسیار دشوار برگزار شد. حزب بر آن گشت که پایه ای ادامه مبارزه مستقل ضد امپریالیستی و ضد الیگارشی، پیکار خود را برای باز یافتن حق فعالیت علنی تقویت بخشد. حزب کمونیست فیلیپین، ضمن پیشنهادی از سوی جبهه مشترک برای "جامعه نو" به اشتراکی جبهه های میانی برنامه و مخالفت قاطع با آنها اقدام کرد. چندین عضو حزب کمونیست فیلیپین پس از ۲۵ سال فعالیت "غیرقانونی" خود را برای مبارزه علنی آماده ساخت.

حزب دهقانان را به پشتیبانی از اطلاعات ارضی بسیج کرد و در همین حال کوشید تا ویژگی های منفی آن بهبود یابد. دهقانان به اتحادیه های روستایی دولتی و تعاونی های کشاورزی پیوستند. اتحادیه های کارگری مترقی کوشیدند تا با همکاری با سندیکاهای دولتی، شرایط ایجاد جنبش واحد سندیکای را فراهم آورند. تلاش های وحدت جبهه ها منتهی شده در جنبش های جوانان، دانشجویان و زنان پیرمایان گشت.

اما چندی نگذشت، که عناصر ارتعاشی، چه در داخل دولت و چه در خارج از آن، از گسترش فعالیت نیروهای مترقی در جنبش های توده ای موحتش افتادند و با ردگرز مرموز منع سازمان های مترقی را از سر گرفتند. در چنین حوی، کنگره هفتم حزب در تاسیس آن سال ۱۳۵۶ در شرایط نیمه علنی برگزار شد.

کنگره اعلام داشت که مهم ترین تضاد مرحله کنونی جامعه فیلیپین را باید در تضاد میان سلطه امپریالیسم، بویژه امپریالیسم آمریکا، از یکسو و خواست های ملی و دمکراتیک مردم فیلیپین در گستره استقلال سیاسی و اقتصادی مطرح، بشیرفت و برابری از سوی دیگر دید. کنگره هفتم، سبب صرف موظف کرد که در تعیین دوستان و دشمنان خود، تنها این معیار را در نظر داشته باشد.

حزب کمونیست فیلیپین در سراسر زندگی و فعالیت پنجاه ساله خود همواره دارای سمت گیری انترناسیونالیستی بوده است. حزب کمونیست فیلیپین دارای پیوندهای نزدیک سراسری با حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا است تا قبل از خیانت رهبران مائوئیست چین به جنبش بین المللی کمونیستی و کارگری، احزاب کمونیست فیلیپین و چین از همکاری مشترک یکدیگر، بویژه علیه امپریالیسم آمریکا و ژاپن پشتیبانی میکردند.

تنی چند از کمونیست های فیلیپین در بریکاردین المللی علیه فاشیسم اسپانیا شرکت داشتند.

حزب کمونیست فیلیپین، با سرور نیز خویش را بخشی از جنبش بین المللی کمونیستی و کارگری میدانند و همه جا از همکاری انقلابی جامعه کشورهای سوسیالیستی، جنبش کارگری کشورهای سرمایه داری و جنبش های آزادی بخش ملی هواداری میکند. کمونیست های فیلیپین با راه همبستگی خود را با انقلاب ضد امپریالیستی، دمکراتیک و خلقی ایران سرزاد شده اند.

حزب کمونیست فیلیپین راه حزب برادرش را دنبال می کند و پیروزیهای بیشتر آنها را در مبارزه ضد امپریالیستی و در راه دمکراسی و پیشرفت اجتماعی خواستاریم.

درباره جنبش

نقشه از صفحه ۳

در گستره بین المللی

جنبش ما بخشی است از جنبش آزادی بخش بین المللی در مبارزه مشترک علیه امپریالیسم، صهیونیسم، نژادپرستی و موامل آنان. ما بر پایه اصول خود و "مشورتی فلسطین" (۱۳۴۷)، با احزاب گوناگون جهان همکاری می کنیم و از این راه به پیشبرد هدف های جنبش نامبرده کمک می رسانیم.

سازمان های بین المللی

۱- ما از طریق "سازمان آزادی بخش فلسطین" در همسازمان های مجامع بین المللی، بویژه "سازمان ملل متحد"، برای تصویب قطعنامه های مترقی، که از حقوق خلق عرب فلسطینی پشتیبانی می کنند، کوشا خواهیم بود و پیگیران در راه منفرد ساختن هر چه بیشتر صهیونیست ها و ایالات متحده آمریکا در این سازمان ها خواهیم ورزید.

۲- ما کوشش خواهیم کرد تا قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد که صهیونیسم را به عنوان شکلی از نژادپرستی محکوم می سازد، تکامل یابد و به موجب "مشور سازمان ملل متحد" اقدامات تنبیهی را در مقابل پایگاه های امپریالیسم، صهیونیسم و استعمار در فلسطین مقرر دارد.

۳- ما در راه تاسیس مواضع سازمان ملل متحد، می بر محکوم ساختن "کمپ دبوید" مبارزه خواهیم کرد و از این سازمان خواستاریم که از ایجاد آدای های صهیونیستی به زبان خلق ما جلوگیری به عمل آورد.

نیروهای دوست

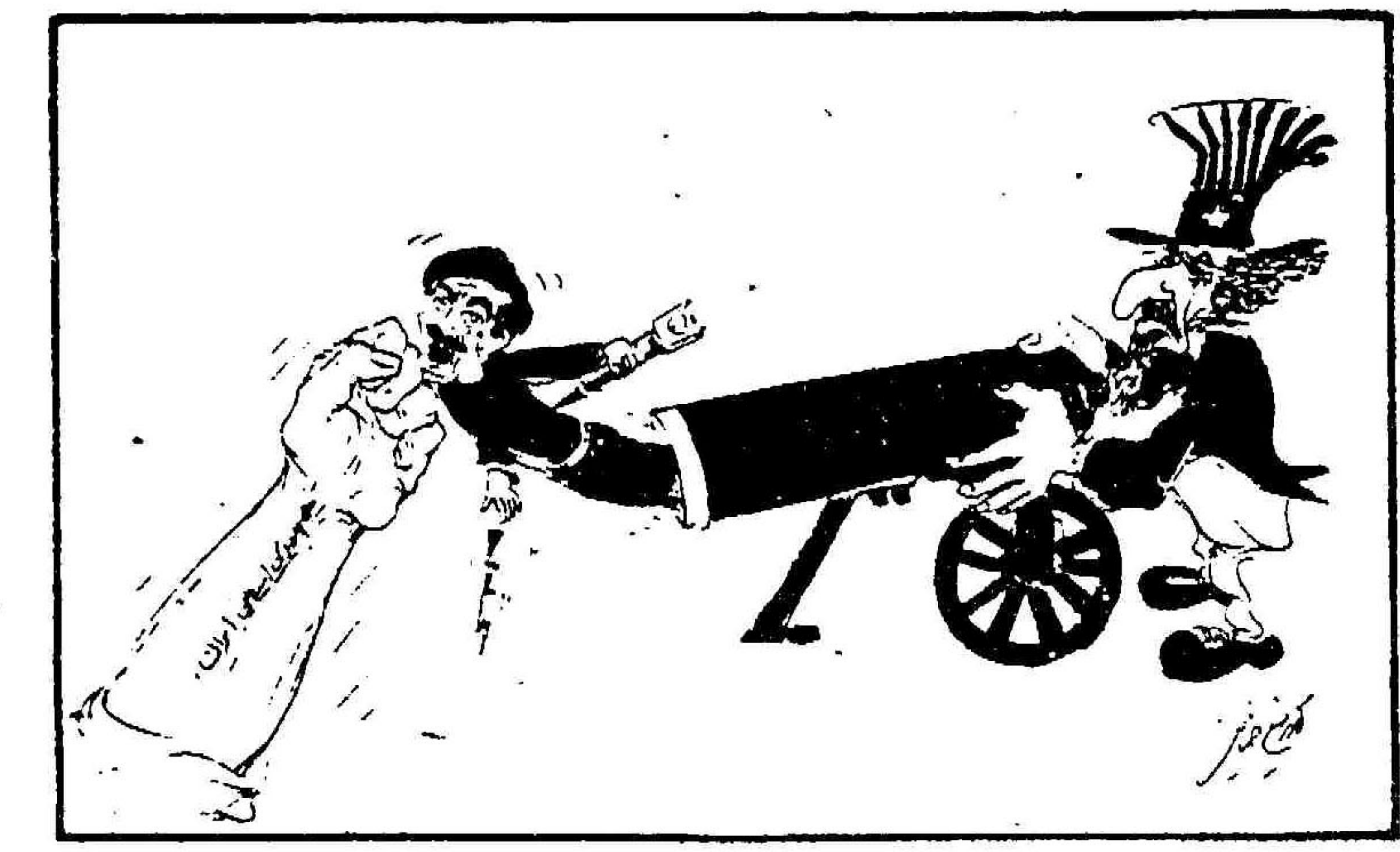
۱- باید پیوندهای خود را با کشورهای سوسیالیستی، بویژه اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، تحکیم بخشیم، چه در پیروزی های و کارای دسیسه های ایالات متحده و صهیونیست علیه انقلاب فلسطین و جنبش های آزادی بخش

درباره ایالات متحده آمریکا

۱- ایالات متحده آمریکا دشمن اصلی خلق و ملت ما است. چه دولت این کشور در برابر خلق ما، انقلاب ما، مردم عرب و همبند های آزادی بخش عرب و جهان سیاسی خصمانه پیش گرفته است آمریکا، که از صهیونیسم و موامل آن در منطقه پشتیبانی می کند، می کوشد تا از طریق پیمانهای ملبتاریستی، سلطه نظامی خود را بر منطقه تحمیل سازد و ثروت های خلق ما را به جیب اول برد. از این رو لازم است که جبهه بین المللی ضد امپریالیسم آمریکا را هر چه بیشتر توان بخشیم. به مقابله همه جانبه با سیاست آمریکا برخیزیم، آنرا عقیم سازیم و ضربه های سهمگین بر منافع آمریکا در منطقه وارد آوریم.

درباره ایالات متحده آمریکا

ایالات متحده آمریکا دشمن اصلی خلق و ملت ما است. چه دولت این کشور در برابر خلق ما، انقلاب ما، مردم عرب و همبند های آزادی بخش عرب و جهان سیاسی خصمانه پیش گرفته است آمریکا، که از صهیونیسم و موامل آن در منطقه پشتیبانی می کند، می کوشد تا از طریق پیمانهای ملبتاریستی، سلطه نظامی خود را بر منطقه تحمیل سازد و ثروت های خلق ما را به جیب اول برد. از این رو لازم است که جبهه بین المللی ضد امپریالیسم آمریکا را هر چه بیشتر توان بخشیم. به مقابله همه جانبه با سیاست آمریکا برخیزیم، آنرا عقیم سازیم و ضربه های سهمگین بر منافع آمریکا در منطقه وارد آوریم.



جلوگیری از فعالیت خرابکارانه صرافکاران در راستای لزوم بود، اما هنوز کافی نیست

روز چهارشنبه، ۱۴ آبان ۵۹، با اجرای یک طرح ضربتی ارزهای صرافکاران در سراسر کشور توسط دامن‌سازان انقلاب جمع‌آوری و در اختیار بانک مرکزی ایران قرار داده شد. این تصمیم درست مورد تأیید کامل ماست.

باید گفت که فعالیت صرافکاران در خرید و فروش ارز قبل از این تاریخ نیز طبق قانون، غیرقانونی و مبنای اساسی برای حاکمیت اقتصادی و مالی کشور، که می‌بایست همان‌روز پس از پیروزی انقلاب مسدود می‌گردید، تا همین روز چهارشنبه، یعنی نزدیک به دو سال در برابر غارتگران درآمد‌های ارزی و سرمایه‌های مالی متعلق به مردم انقلابی و دولت جمهوری اسلامی باز بود.

در فاصله قریب دوسالی که از پیروزی انقلاب می‌گذرد، قباچه‌چیان ارز و صرافکاران چم‌چم‌سود لطمه جبران‌ناپذیری که به اقتصاد کشور و به انقلاب وارد ساختند. میلیاردها سرمایه ارزی کشور بوسیله این صرافکاران بسود ضدانقلاب بخارج انتقال داده شده است. ضربات کمرشکنی از راه خرید و فروش ارز خارجی بانرخهای بالا، به قدرت خرید ریان ایران زده شده و صدها میلیون تومان درآمدی که باید به حساب بانک مرکزی ریخته می‌شد، از طریق صرافکاران با معاملات قاچاق ارز صاحب شده است. می‌توان گفت که فعالیت صرافکاران، که بطور عمده طفیلی‌ترین و فارتگرترین نوع سرمایه‌داری در اختیار دارند، ضربات سهمگینی به مالیه اقتصاد جمهوری اسلامی وارد آورده، که تورم پولی و رکونی ناشی از آن و اختلال درآمد ارزهای مملکت، چه بسود خروج آنها بوسیله ضدانقلاب وجه بسود ادامه تسلط اقتصاد امپریالیستی بر بازار اقتصاد ایران، برخی از جهات وجوانب آن بشمار می‌رود.

صرافکاران نه تنها از راه خرید و فروش ارز، بلکه از طریق فعالیت سرمایه‌داری و دریافت ریزه‌های کمرشکن یا زاگناری قرض به مردم، به ویژه اقشار تنگدست بازاری و دهقانان، درآمد‌های سرسام آور کسب می‌کنند. سرمایه‌داری در دست صرافکاران مانند زالوه خون اقتصاد کشور را می‌کشد و در اختیار صاحبان سرمایه‌های ربانی و قاچاقچیان ارز قرار می‌دهد.

سرمایه‌داری در دست صرافکاران، نه امروز و دیروز، بلکه از اوائل قرن، عامل عمده درجا زدن اقتصاد ایران در عقب‌ماندگی و ادامه حیات برای طفیلی‌ترین قشر سرمایه‌داری سرمایه‌داری استعمار رهنورد می‌رود. با این توضیحات مختصر، دیده می‌شود که قطع فعالیت سرمایه‌داری در تمام اشکال آن، که یکی از آنها ممانعت از خرید و فروش ارز است، تاجه پایه برای تأمین سلامت اقتصاد ملی و رهایی جامعه از دست سرمایه‌داران رباخوار ضرورت حیاتی دارد.

اکنون که خوشبختانه اولین شریه کاری به بیکر این سرمایه طفیلی وارد شده، کارنه فقط به اینجا نباید خاتمه یابد، بلکه اقدام

لازم برای جلوگیری از فعالیت صرافکاران در خرید و فروش ارز، باید با قطع کامل فعالیت سرمایه‌داری در همه جهات مختلف آن تکمیل گردد. میلیونها دهقان در دهات و صدها هزار پیشه‌ور جزء در شهرها متروک سرمایه‌داران رباخوار هستند. با قطع فعالیت صرافکاران باید کلیه قروض زحمتکشان به رباخواران از هر قرضی، اهم از آنکه رسام، مانند صرافکاران شهری شمشه و دفتر دستک داشته باشند و یا مانند فتودالها و زمینداران بزرگ، من غیر مستقیم از چنین فعالیت‌های غارتگرانه‌ای بهره‌مند شده و می‌شوند، بختوده شود. سرمایه صرافکاران باید بسود بیت‌المال و خزانه عمومی کشور حصارده شود، بخصوص که صرافکاران نه فقط قانون را رعایت نکرده‌اند بلکه به قبول فتوای امام خمینی و دیگر مراجع عالیقدر مذهبی نیز در خودداری از دریافت ربا و خرید و فروش ارز قاچاق نیز تن نداده‌اند. از این جهت اقدام مقامات بانک مرکزی، که قصد دارند نیمی از سرمایه صرافکاران را به آنها باز گردانند به هیچوجه توجیه قانونی و منطقی ندارد، زیرا چنین اقدامی به منزله برسیست شناختن فعالیت صرافکاران در زمینه رباخواری است، که قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز آن را مردود شمرده است.

اما در زمینه جلوگیری از قاچاق ارز نیز، گرچه جلوگیری از فعالیت صرافکاران در این زمینه بسیار لازم است، لیکن به هیچوجه کافی نیست. درست است که صرافکاران حامل انتقال ارز برای ضدانقلاب به خارج و درهم ریختن نظام ارزی جمهوری اسلامی بوده‌اند، اما مگر خود بانک مرکزی ایران با صدور ارز تسلیلی برای فرزندان طاغوتی-هانی که در خارج تسلیل می‌کنند، موافقت نکرده است؟

صرافکاران در جمع شاید سالیانه صد میلیون دلار ارز قاچاق در اختیار مشتری‌های طاغوتی خود قرار می‌دادند. اما بانک مرکزی سالیانه چندین میلیارد دلار ارز، آنهم با نازلترین قیمت ممکن، بنام ارز دانشجویی در اختیار خانواده‌هایی قرار می‌دهد که فعالیت آنها علیه انقلاب انظرمن‌النفس است. آیا می‌توان قبول کرد، در شرایطی که دانشجویان ایرانی از خانواده‌های زحمتکش در جبهه‌های جنگ خوتشان را برای دفاع از وطن، به زمین‌های بی‌زینده، سالیانه میلیاردها دلار ارز بنام دانشجویان بخارج انتقال داده شود؟

اما انتقال ارز بخارج تنها از راه قاچاق ارز دانشجویی بخارج، آنهم در شرایط ویژه کمونی زمان جنگ، که صرفه‌جویی در هر دلار امری بسیار لازم و ضروری است، صورت نمی‌گیرد. بازارگانان وابسته، که دلال فروش کلاهای خارجی در بازار ایران هستند، از عاملین عمده اصلی خروج ارز از ایران‌اند. این قشر از بازارگانان با استفاده از خرید ارز به بیالغ نازل، درست همان کلاهای را از خارج خریداری و وارد می‌کنند، که بزیران اقتصاد، مالیه، صنعت و معیشت عمومی کشور ماست.

بنامان مثالی از فعالیت سرمایه تجاری، که علیه انقلاب و علیه استقلال و ملیه اقتصاد کشور اقدام می‌کند، می‌توان به واقییت زیر اشاره کرد:

وزارت آب و برق در همین هفته‌ای اخیر به مصرف‌کنندگان برق هشدار داده است که مصرف برق خود را افزایش ندهند، زیرا این کار می‌تواند شبکه برق و مراکز تولید آن را از هم بپاشد و خرابی‌های جبران‌ناپذیر ببار آورد. درست در همین زمان منازها و حتی پیاده‌روهای تهران و شهرستانها پر می‌شود از دهها هزار بخاری برقی، که از زاین گرفته تا ایتالیا خریداری شده و به بازارهای ایران وارد شده است! سفارش‌دهندگان این بخاریها، که استفاده از آنها در شرایط فعلی مضر بحال شبکه برق کشور است و می‌تواند خسارات بسیار سنگینی وارد کند، جز بازارگانان وابسته‌ای که با استفاده از ارزهای تجاری به این کار اقدام کرده‌اند، کسان دیگری نیستند. ملاحظه کنید با این اقدام نه فقط ارزی را که باید به مصارف ضروری برسد، از دست دولت ربهوده و بخارج انتقال داده‌اند، بلکه در ازاء آن کلاهای وارد ساخته‌اند که سلامت شبکه برق کشور را تهدید می‌کند. آنهم در چه زمانی! در زمانی که وضع اضطراری جنگ و کمبود سوخت ما حکم می‌کند که از خرابی شبکه برق خود با تمام قوا جلوگیری کنیم.

واردکنندگان بخاریهای برقی تنها تجار وابسته‌ای نیستند که با دلالی کلاهای خارجی زیان جبران‌ناپذیر به منابع ارزی و اقتصاد کشور وارد می‌سازند. قسمت اعظم سرمایه تجاری، که با بازارگانی خارجی سر و کار دارد، همین نقش مخرب را ایفا می‌کند. آنهم با استفاده از ارزی که سرمایه عمومی و متعلق به ملت است و در شرایط کمونی باید منحصراً به منظور تأمین نیازهای نظامی و عمومی صرف گردد. بدینسان بوضوح معلوم می‌شود که جلوگیری از قاچاق ارز و صرفه‌جویی در مصرف آن، با اجرای فوری اصل ملی کردن بازارگانی خارجی ارتباط مستقیم دارد. ملی کردن بازارگانی خارجی از اقداماتی است که از جمله برای حفظ ذخایر ارزی مملکت حتی یک روز نباید به تأخیر بیفتد. متأسفانه این امر فوق‌العاده مهم همچنان بیش از یک سال است که از امروز به فرود انداخته می‌شود.

بیرامون ضرورت جلوگیری از فعالیت سرمایه‌داری، صرافکاران و ممانعت کامل از قاچاق ارز مطالب بسیار دیگر می‌توان طرح کرد و نوشت. لیکن همین مختصر قطعا برای درک ضرورت این امر کافیست که، جلوگیری از فعالیت صرافکاران کاری درست و لازم بود، ولی به هیچوجه کافی نیست. مبارزه علیه سرمایه‌داری ربانی و قاچاق ارز باید در بعد وسیع سلسله اقداماتی انجام گیرد که به فعالیت سرمایه‌داری ربانی و سرمایه‌های تجاری وابسته در همه اشکال و مظاهر مختلف آن پایان دهد. می‌توان امور اقتصادی و مالی ربانکی جمهوری اسلامی تنها با چنین برداشتی می‌تواند اقتصاد و مالیه جمهوری اسلامی را از گزند خطرات جدی از جانب ضدانقلاب و امپریالیسم مسون داند. بدینسان جنگ انقلابی در جبهه اقتصادی را بسود تأمین پیروزی انقلاب به انجام برسانند.

این افتراات کذب محض است

در تکذیب خبری که در روز ۲ آبان ۱۳۵۹ در مطبوعات از قول خبرنگار خبرگزاری پارس تحت عنوان سوء استفاده حزب توده از بیت‌المال و صدقات مردم جنوب شهر تهران انتشار یافته، نامه‌ای از جانب آقای محمدعلی قرایی، وکیل رفیق علیس جبری بیستانی، به ریاست خبرگزاری پارس ارسال شد. از آنجا که متأسفانه تاکنون اقدامی از جانب خبرگزاری پارس برای تصحیح این خبر سرافکندگانه انجام نگرفته است، نامه مردمی برای روشن شدن افکار عمومی از حقیقت واقعه، این نامه را در زیرمشر می‌نویسیم:

جناب آقای دکتر کمال خرازی رئیس محترم خبرگزاری پارس ضمن تقدیم فتوکپی و کدنامه شماره ۳۹۲۷۳، و کالتا از طرف آقای عباس جبری بیستانی بااستحضار می‌رساند:

در اختیار خبرگزاری پارس قرار داده شده انتشار داده و برای درج در اختیار جراید بگذازد بشرح زیر:

- ۱- محل مورد بحث، مرکز حزب توده ایران نبوده و دلیل آن متن خبر است که می‌گوید: «...نه حکایت از...» دارد نه مرکز حزب...»
- ۲- سوء استفاده حزب توده ایران از بیت‌المال... مردم جنوب شهر تهران...» کذب محض است. ملک مزبور متعلق به موکل و شرکای اوست. اسناد آن تقدیم بفرست شد.
- ۳- به شهادت اسناد مالکیت این آبارتاماها هرگز به غلامرضا - برادر شاه معدوم سو یا به راننده‌های او متعلق نداشته است. بهترین دلیل آن، اعتراف متن اعلامیه است که می‌گوید: «مالکین سران حزب تودمانند و یکی از آنها به نام عباس جبری بیستانی...» است.
- ۴- بیمارستان توان بخشی به وسیله موکل و شرکاء تأسیس نشده است، بلکه در سال گذشته یک بلوک آن که مشتمل بر ۵ دستگاه آبارتاماها و دارای در ورودی مستقل در خیابان استخری است، به وسیله پاسداران ستقر در کلاتری محل، که بعداً از سپاه اخراج شده‌اند، عنواناً تصرف شد و کوشش موکل و شرکاء برای تخلیه و رفع تصرف عنوانی به جانی نرسید. حجت‌الاسلام ایروانی حکم تخلیه صادر کردند (فتوکپی این حکم هم اکنون در پرونده فعلی ضبط است)، ولی پاسداران مزبور از تخلیه ممانعت بعمل آوردند و بنابه اعلام خود، آن را تبدیل به بیمارستان متعادل نمودند، ولی درواقع به خرید و فروش مواد مخدر مشغول شدند. مسئولین موسسه فرهنگی

جنوب کرارا به مسجد محل مراجعه نمودند و از این اوضاع شکایت کردند. آنها حتی بعد از بازداشت به کتبه و شخص آقای خلیلیان مراتب را اطلاع دادند و درحقیقت کتبه برینمای شکایت مسئولین موسسه فرهنگی اقدام به بازرسی محل بیمارستان متعادلین کرد.

- ۵- برخلاف ادعایی که در اعلامیه آمده است، موسسه فرهنگی جنوب، زیر نظر موکل و شرکای وی نبوده است، بلکه مسئولین موسسه فرهنگی اجازه داشته‌اند از محل مزبور برای سکونت و کارهای غیرخواهانه استفاده کنند. این مراتب نیز کتبا به اطلاع کتبه منطقه ۱۲ رسید.
- ۶- بجلازه، مسئولین موسسه فرهنگی جنوب مطلقاً به کارهای غیر مجاز نپرداخته‌اند، آنها فقط کلاسهای درس تشکیل داده‌اند که صورتجلسه حکایت از کلاس و تدریس دارد و هم‌اکنون شاگردان برای ادامه تحصیل به آنجا مراجعه می‌نمایند.
- ۷- پوستر مربوط به سایر گروهها در محل موسسه فرهنگی نبوده است و جداً تکذوب می‌شود. تهیه یک نسخه از اعلامیه یا روزنامه اهم از مجاز و ممنوع برای مطالعه یا تهیه آرشوچرم نیست، و ادعای این که روزنامه‌های گروهک‌های چپ‌ها در محل موسسه فرهنگی توزیع می‌شده است، کذب محض است.
- ۸- نوشته شده است: «تأمین گروهک‌ها و سازمانهای ضدانقلابی به نحوی با این مرکز حزب تودمدار ارتباط بوده‌اند. این نیز دیوغ محض است. در حقیقت این قسمت از اعلامیه، بیان آرزوی هم‌های است که می‌خواهند حزب

موکل در جبهه ضدانقلاب باشد و در این راه نیز تلاش می‌کنند خوشبختانه آنها هیچکدام به این آرزو نرسیده و نخواهند رسید.

- ۹- به شهادت صورتجلسه تنظیمی که به امضای مسئولین بازداشت‌شده موسسه فرهنگی نیز رسیده است، مطلقاً از کتبه، مسلسل، ژاکت، خنجر، دستبند، پاینده و امثال آن نامی به میان نیامده است. بعد از بازداشت آنان، بازرسی کامل کلیه آبارتاماها، تصرف کتابها و آرشو و تنظیم صورتجلسه و امضای آن، در مورد یافت شدن سلاح در محلی که دیگر در تصرف آنان نیست، هیچگونه ادعایی مسومع نبوده و لذا کلا تکذیب می‌شود.
- ۱۰- به شهادت صورتجلسه تنظیمی، تصرف محل بیمارستان، مواد مخدر و وسایل آن و نیز وسایل قمار و سلاح‌های سرد و گرم از محل بیمارستان کشف شده است که در تصرف پاسداران اخراجی بوده است.
- ۱۱- موکل و شرکای او در نامه گذاری بیمارستان نقش و اطلاع نداشته‌اند، تا بتوان عمل آنها را فرصت طلبانه نماید. این، متصرفان عنوانی بودند که آن را به نام طالقانی نامگذاری کردند. همچنین کلیه کتافات، حشرات، گرد و خاک و دارو و آلودگی مشاه بیماری بسیار، به پاسدار اخراجی جواد نصیری و همستان او، مربوط است.
- ۱۲- نوشته شده است یکرازمسئولین موسسه فرهنگی که بیکار بوده، وام بیکاری گرفته و بطور رایگان برای امور فرهنگی بیکار بوده است. مشکل بتوان در این کار جز روحیه انسانو از خودگنشتن چیز دیگری مشاهده کرد.
- ۱۳- حسب عکس امام خمینی و شعار-

های ضدامپریالیستی، برخلاف ادعای اعلامیه، هوامفریبی نبوده است. این امر، هر انبان مبین‌پرست و صادق به انقلاب را فقط به تحسین و امیدارد.

- ۱۴- فوجت انقلابی برای آزادی طیفه کارگر، که یک گروهک مائوئیستی آمریکائی و طرفدار تبدیل جنگ فعلی به جنگ داخلی است، محال است یا حزب توده ایران، که ضد امپریالیسم آمریکائی ضد مائوئیسم است، کوچکترین رابطه و هلقه‌ای داشته باشد. همه می‌دانند که حزب توده ایران هواره با قاطعیت و صداقت انقلابی خود، همه مبین‌پرستان را به اتحاد و مبارزه علیه امپریالیسم و دست‌نشاندهانش (از قماش صدام و غیره) دعوت کرده است. در جنگ ایران و عراق نیز حزب توده ایران، چه در تهران و چه در سایر شهرستانهای ایران، در اعلامیه‌ها و مکاتبه‌های رسمی خود کلیه امکانات خویش را در اختیار سپاه پاسداران و سایر نهادهای انقلابی گذاشته است و تاکنون تعداد قابل توجهی شهید داده است که همگان از آن باخبرند.
- ۱۵- حزب موکل (حزب توده ایران) همیشه از همه مبین‌پرستان و بازارگان انقلابی صدیق پشتیبانی کرده است. حمایت موکل و حزب توده ایران از امام خمینی رهبر انقلاب اسلامی ایران و روحانیون مبارز ایران به ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ و سالهای قبل از آن مربوط می‌شود. کلیه تشریفات حزب توده ایران شاهد صادق این مدعا هستند. جای تأسف است که عده‌ای فاکاگ و اچانا مفرض سنی دارند برای رسیدن به نتایج مبین حقایق را در مورد حزب توده ایران وارونه جلوه دهند.

با تجدید احترام - محمدعلی قرایی، وکیل عباس جبری بیستانی

اعلامیه سازمان ایالتی حزب توده ایران در خوزستان بمناسبت شهادت رفیق سیمین سلامی زاده امداد گری از سنگرهای مقاومت

که به تبار شهیدان پیوست

۱۹ آبانماه ۵۹ گسل پریز آبادان قهرمان، امداد گری توده‌ای، سنگرهای دلاوری و سپید دوستی، در میان همه کثیری از اهالی ماهشهر، افراد خانواده و رفقای وی در گورستان ماهشهر بخاک سپرده شد.

در این مراسم هیئت از طرف سازمان ایالتی حزب توده ایران در خوزستان و نیز مسئولین، اعضاء و هواداران حزب توده ایران در ماهشهر، شرکت داشتند.

رفیق سیمین، در دوم مرداد ۱۳۳۹ در خانواده‌ای متوسط در آبادان متولد شد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را در همین شهر به پایان رسانید و در خانواده‌ای انسانمست و به شهری با سابقه درخشان مبارزات ضد امپریالیستی و انقلابی هر روز می یافت و بالید سیمین در جریان انقلاب شکوهمند مردم ایران فعالانه شرکت جست و پس از انقلاب ۲۲ بهمن، به زندگی سیاسی و انقلابی نویسی پیوست و به صفوف حزب طبقه کارگر ایران، حزب توده ایران پیوست و از آن پس تمام وقت و انرژی خود را در اختیار حزب و آرمان آن قرارداد. چهره سیمین برای مردم آبادان، چهره آشنایی بود، زیرا همواره با دستهای از گلپایه، نامه مردم، سراسر

شهر را زیر پا می نهاد. بهنگام آغاز تجاوز نظامی رژیم جنایتکار مدام حسین، سیمین به پیروی از فرارخوان کمیته مرکزی حزب توده ایران، فعالانه به سازمان دفاع جبهه خونین شهر پیوست و در امداد پزشکی، با همکاری همکاران و خستکاران، در رسیدگی به وضع مجروحان شرکت جست. پس از انتقال گروههای امداد خونین شهر به آبادان و پس از آنکه خانواده رفیق سیمین بر اثر فشار شدید توطئه دشمن، ناگزیر به پناهنده شدن در آبادان، یعنی ماهشهر منتقل شدند، او در کنار دیگر توده‌های در شهر آبادان ماند و در گروههای امداد بیمارستان طالقانی آبادان به فعالیتهای جبهه خویش ادامه داد.

سیمین در بیمارستان طالقانی نیز نمونه برجسته انسان دوستی، شجاعت و ایثار بخاطر دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و شوقیه مردم به زحمتش و آرامنای والای آنها بود.

رفیق سیمین سلامی زاده، در روز ۱۳ آبانماه، هنگامیکه از کار امداد بازمیگشت، اطلاع یافت که در خانه مجاور گلوله توطئه‌خانه ارتش جنایتکار صدام حسین، عده‌ای را زخمی کرده است. وی بر تریه برای یاری همسوی آن مکان شتافت، ولی در همان وقت ترکش خمپاره به پیکر پر شور و سراپا ایمان وی اصابت کرد و وی را به شهادت رساند.

شهادت سیمین در ماهشهر، اندوه عمیقی را در مردم و ویژه کارکنان بیمارستان طالقانی، که وی را بخوبی می شناختند، باعث گردید. این پیکر پاک و گلگون وی را فرق در کل ساختند. اطلاعیه در کنان بیمارستان طالقانی در باره شهادت وی، از رادیو آبادان پخش گردید و تسلسل صیق رزمندگان آبادان قهرمان را برانگیخت.

سادر رفیق شهید سیمین، هنگامیکه شهادت فرزند جوانش را شنید، به رفتی او، که کرد وی و پدر شهید را گرفته بودند گفت:

محبوب دخترم به او درس انسان دوستی و دود از وطن داد... ما تا این لحظه نماندیم که حزب توده چیست و کونستان دخترمان کیست، اما اکنون می بینیم که جوانهای فداکار و پر شور در این حزب جمع شده‌اند ما اکنون پاره دخترمان ایمان آورده‌ایم.

یاد سیمین سلامی زاده و دیگر شهیدان راه استقلال و آزادی ایران، برای همیشه گرامی است و راجعاً تهنیتی کامل و قطعی بر امپریالیسم، سرکردگی امپریالیسم آمریکا و متحدان جنایتکارش چون رژیم صدام خان، ادامه خواهد یافت.

سازمان ایالتی حزب توده ایران در خوزستان، ۱۹ آبان ۵۹

در جلسه علنی دیروز مجلس:

انقلاب هنوز پایان نیافته است

□ ملت ایران همچون فولاد آبدیده شده و قدرت استقامت در جبهه‌ها را دارد.

□ ۲۷ درصد شهر نشینان و ۸۳ درصد روستائیان بی‌خانه هستند.

در جلسه علنی دیروز مجلس، که به ریاست حجت‌الاسلام فلسفی رفتاری تشکیل شد، چند تن از نمایندگان در باره مسائل مختلف مملکتی سخن گفتند و تصدیق از مواد طرح اداره رادیو و تلویزیون به تصویب رسید. اولین نطق پیش از دستور این جلسه، بقای نماینده سیر وادی بود که ضمن اشاره به حمله رژیم صدام به ایران اظهار داشت: دولت ترمیم‌گر نیزه‌های مسلح ما در این جنگ ثابت گردید که اگر جنگ ۲۰ سال هم طول بکشد، استقامت می‌کنند. مزدوران امپریالیسم جهانی خیال می‌کردند، امت قهرمان ایران این صدمات را که در طول انقلاب، مخصوصاً یکی دو سال اخیر تحمل کرده است، دیگر تاب تحمل جنگ و نبرد هم بجایه رویاوری را ندارد. اسباب غافل بودند که این ملت همچون فولاد آبدیده شده و در این گوران انقلاب هم ترمیم‌گر نبود مواد غذایی و هم ترمیم‌گرهای خیابانی کرده است و هم قدرت استقامت در جبهه‌ها را دارد.

ناطق سپس افزود:

انقلاب هنوز پایان نیافته و دشمن در کمین است تا با انقلاب

بلاغی در پایان گفت: متوجه متاسفانه که در شرایط کنونی یعنی تحت آزاد تلویزیونی تریب میهند و تشنج به وجود می‌آورد. من سوء نظری ندارم. ولی متاسفانه که یکی در روزنامه چند بد قانون اساسی را استناد می‌کند و تشنج بوجود می‌آورد و دیگری مجلس را به تشنج می‌کشد.

حسین گرماتی نماینده آباءه و ابرکو، دومین نطق پیش از دستور، ضمن سخنانی اظهار داشت:

«جوانان ما در جبهه با از جان گشنگی مبارزه می‌کنند، ولی آیا ما هم در سنگرهای پشت جبهه به همان تریب می‌جنگیم؟ وی سپس گفت:

«و اشراف! اگر ۵۰ سال دیگر ملت بیاید و این مجلس را که باید الگو باشد، آنگاه که باید نیستند، لذا باید از رفتارهای خلاف تفرق پریشی کرد، تا آنگاه که با هزاران امید و عشق و علاقه ما را به اینجا فرستادند تا امید تشویش»

حسین گرماتی سپس تاکید کرد که بر مردم واجب است که از جنگ‌زدگان کشور، آن‌ها را که نمی‌توانند بکنند پذیرائی و استقبال کنند.

تصویب مواد طرح اداره رادیو و تلویزیون

در اینجا حجت‌الاسلام فلسفی رفتاری رئیس مجلس پیش از شروع دستور، تذکراتی چند در

ارتباط با مسائل مختلف از جمله اسکان جنگ‌زدهگان داد. سپس نامه اعتراض حجت‌الاسلام هادی‌تقوا در مورد تحریف سخنان وی در روزنامه کیهان توسط رئیس مجلس خوانده و از روزنامه‌ها خواسته شد که دقت لازم را مبذول دارند.

سپس مجلس وارد دستور شد و بندهای مختلف ماده ۵ طرح اداره رادیو و تلویزیون مورد بحث و بررسی قرار گرفت. در نتیجه بند ده این ماده، که مربوط به انتخاب مدیر عامل صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران است، به تصویب رسید.

سپس بند مربوط به تأمین بودجه این مرکز مطرح شد که آن نیز پس از بحث و بررسی مورد تصویب قرار گرفت. بر این اساس، بودجه صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران از طریق دولت و به مدیریت عامل این مرکز برآورد و به شورای سرپرستی پیشنهاد خواهد شد.

پیام سازمان جوانان توده ایران به جوانان جنبش خلق برای آزادی آنگولا به مناسبت چهارمین سالگرد پیروزی انقلاب آنگولا

پیروزی از آن خلقهاست

رفقای عزیز! سازمان جوانان توده ایران از سوی جوانان انقلابی ایران چهارمین سالگرد پیروزی انقلاب آنگولا را به شما و جوانان و مردم مبارز آنگولا مستحانه شادباش می‌گوید.

پیروزی انقلاب ضد امپریالیستی، دموکراتیک و توده‌ای در کشور شما، که به برکت مبارزه مسلحانه خلق رزمنده شما، تحت رهبری «مپ.ا.ج.ا.» به دست آمده، توانست به بساط فارتگری و ستم امپریالیستها و استثمارگران پرتغالی در آنگولا خانه بختند.

امروز «مپ.ا.ج.ا.» که در کوره آزمون‌های دشوار مبارزه مسلحانه آبدیده شده است، با برخورداری از پشتیبانی همجانبه خلق قهرمان آنگولا، آنگولای مستقل و دموکراتیک را به دست جامعه‌های نوین، فارغ از هر نوع استثمار و استثمار هدایت می‌کند.

اکنون آنگولاستو تو، رهبر محبوب خلق آنگولا، در میان شما نیست. این فقدان نه تنها برای مردم آنگولا، بلکه برای تمام جنبش‌های مترقی و دموکراتیک جهان ضایعه‌ای بی‌شمار می‌رود. اما رهبری «مپ.ا.ج.ا.» موفق شده است که با شرف انقلابی خود، که بر شالوده سوسیالیسم علمی استوار است، جامعه آنگولا را به دست افروزی نویی رهشون سازد.

مردم ما به خوبی آگاهند که انقلاب شما در شرایطی بی‌شمار اتمام گرفت. امپریالیسم جهانی، سرکردگی امپریالیسم آمریکا، رژیمهای ارتجاعی منطقه، چون رژیم فزادوست آفریقای جنوبی و برتری ملیان پکن، که شوقینس لجام گسیخته آنها را به سرانگیب هندستی و همکاری با امپریالیسم کشانده است، با استثمارگران پرتغالی همجانبه همکاری می‌کردند و پاندهای مزدور ضد انقلابی چون «اوتیستا» و «فلا» را از نظر نظامی مجرم می‌ساختند و مورد پشتیبانی مادی و معنوی خود قرار می‌دادند. اکنون نیز پس از پیروزی انقلاب، این مزدوران امپریالیسم دست از توطئه و تحریک برداشته‌اند و می‌گویند که با دست زدن به اقدامات خرابکارانه و قتل و کشتار مردم بیگناه، روند تعمیق انقلاب آنگولا را سد کنند و در کار ساختمان سالمات آمیز جامعه نوین دشواری ایجاد کنند. توطئه تحریک و تجاوزگری از سرشت امپریالیسم بر می‌خیزد، اما ما اطمینان داریم که خلق آنگولا زیر پرچم ظرنون «مپ.ا.ج.ا.» هلیگره همه این تشبته به اهداف انقلابی و مترقی خود دست خواهد یافت.

رفقای عزیز! چنانکه می‌دانید، امپریالیسم، سرکردگی امپریالیسم آمریکا، و رژیمهای مستعبدانه‌اش در منطقه، پس از پیروزی انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ایران، هواره گوسیده‌اند تا با محاصره اقتصادی، تجاوز آشکار نظامی به خاک ایران و توطئه‌های بی‌دردی کودتایی، جمهوری نوپای اسلامی ایران را سرنگون سازند. در حال حاضر نیز رژیم مزدور و ضد مردمی عراق، با حمایت و پشتیبانی امپریالیسم آمریکا و متحدینش، به خاک ایران تجاوز کرده و با بمباران مطلق مسکونی-آموزشی و مراکز درمانی شهرهای مرزی ایران در جنوب و غرب کشور، مردم زحمتکش، کودکان و نوجوانان دیستانی و دبیرستانی را زیر خوراکها خاک مدفون ساخته است!

اما خلق قهرمان ایران همچنان دلاورانه در شهرهای مرزی از سپین انقلابی خود دفاع می‌کند. مردم ایران، مرد و زن، پیر و جوان اکنون آماده‌اند تا سلطانه با توطئه‌های امپریالیسم، سرکردگی امپریالیسم آمریکا و مزدورانش، مقابله کنند و تا پیروزی نهایی و شکست کامل امپریالیسم آمریکا، یک دم از پا نخواهند نشست. همچنانکه تجربه تاریخی در گویا، آنگولا، ویتنام، گینه بیسائو نشان داده است، پیروزی از آن خلقهاست!

مرگ بر امپریالیسم جهانی، سرکردگی امپریالیسم آمریکا! فرخنده‌باد چهارمین سالگرد پیروزی انقلاب آنگولا! زنده‌باد همبستگی بین المللی جوانان در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع!

سازمان جوانان توده ایران

کمک مالی به حزب توده ایران

یک وظیفه انقلابی است

روزیه از اسفهان ۱۰۰۰۰ ریال	روزیه از تبریز ۱۰۰۰۰ ریال
محمود از قزوین برای حزب پدرش ۴۰۰۰ ریال	دکتر فروش نشریات حزب از شهرکرد ۱۵۰۰ ریال
احمد رز از شهرکرد ۵۰۰ ریال	روزیه شرف از شهرکرد ۲۰۰۰ ریال
بایک ک - از شهرکرد	
ش. ش. از شهرکرد ۱۰۰۰۰ ریال	ملاصدان می‌تواند کمک مالی خود را ب حساب بانکی به نام قتی کرمنش و به شماره ۳۳۳۲ شنبه ۴۱۸ بانک ملی ایران (شعبه شاه اسماعیل سنوی)، خیابان شهید دکتر حسین قلمی بپردازند
منصور از شهرکرد ۲۰۰ ریال	جان محمد از شهرکرد ۱۵۰ ریال
هوشنگ از شهرکرد ۳۰۰ ریال	ع. ع. از شهرکرد ۵۰۰۰ ریال
پ. پ. از شهرکرد ۵۰۰۰ ریال	کاره کوچک از شهرکرد

نامه مردم

از گان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بیژادی خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸ (دفتر نامه مردم) هنوز در اختیار نامه مردم نیست

NAMEH MARDOM

No. 369
12 November 1980

Prices:

West-Germany	0.80	DM
France	2	Fr.
Austria	8	Sch.
England	20	P.
Belgium	10	Fr.
Italy	350	L.
U.S.A.	40	Cts
Sweden	1.50	Skr.

خوانندگان گرامی نامه مردم و همه مقامات دولتی و غیر دولتی می‌توانند به آدرس زیر یا نامه مردم، مکاتبه کنند:

صندوق پستی ۱۴/۳۵۵۱، منطقه پستی تهران